

طرح خودگردانی "هیئت ویژه دولت" نادیده گرفتن خواست و اراده خلق کرد است

هیات ویژه دولت در مذاکرات صلح کردستان، طرح خود را رسماً اعلام کرد. این طرح که با نام "طرح خودگردانی" ارائه شده است در حقیقت مواضع هیئت حاکمه را در برابر مطالبات حق طلبانه خلق کرد و دیگر خلق های ایران که برای رهایی از ستم قومی و ملی نیز مبارزه می کنند روشن می سازد.

روشن شدن مواضع هیئت ویژه دولت و اعلام رسمی آن، فصل تازه ای در مبارزات حق طلبانه خلق کرد باز می کند. اعلام رسمی این طرح سازماندهی مبارزه سیاسی جدیدی را در دستور اجلاس سازمان های سیاسی خلق کرد قرار می دهد.

خلق کرد که از همان دوران سقوط رژیم منگور پهلوی بر حوصله مسالمت آمیز مسأله کردستان با فشار می نمود، این بار در فضای ناشی از پیروزی جنبش مقاومت، به حق انتظار داشت که نمایندگان دولت که نام هیئت حسن نیت بر خود نهاده است به حداقل خواست های خلق کرد پاسخ مثبت دهد و خودمختاری کردستان را در چارچوب ایران یکپارچه مستقل به رسمیت بشناسد.

علیرغم این انتظار، "هیئت ویژه دولت" تا به حال کوشیده است تنها نظریات یک جانبه خود را به پیش برد. این هیئت چشم خود را بر روی واقعیات موجود در کردستان بسته است و آشکارا اعلام می کند که به خواست های حق طلبانه خلق کرد که در راه تحقق آن مبارزهای حماسه آفرین و خونین را پشت سر نهاده است، بی اعتنا است.

این سیاست هیئت ویژه تا به حال در دو زمینه ادامه یافته است. از طرفی با تحریف حقایق و ادامه تبلیغات سوء می کوشند هیئت نمایندگان خلق کرد را جنگ افروز و مخالف صلح معرفی کنند. این سیاست مزورانه به نحوی سازمان داده می شود تا اتحاد تاریخی نیروهای جنبش مقاومت را درهم ریخته و راه را برای نادیده گرفتن حقوق اساسی خلق کرد و تحمیل نظریات "هیئت حاکمه" باز نماید. در این زمینه می توان از سیاست نماینده ترشی و انجام مذاکرات جداگانه نام برد که نمونه بارز آن قطع بی دلیل مذاکره با هیئت است. **بقیه در صفحه ۲**

شوراهای جهت قطع وابستگی گام بر میدارند

یکی از عمده ترین مسائلی که شوراهای کارگری بعد از قیام سال ن رو برو بوده اند، مسئله وابستگی واحدهای تولیدی بوده است. مسئله ای که همواره جلوی پای هر شورای واقعی و خودداشته است و مانعی جدی در راه کنترل تولید و توزیع به دست کارگران موجود آورده است. نمونه چنین مشکلات و موانع را در کارخانه الیاف و صنایع چوبی و غیره می توان ذکر کرد. در کارخانه الیاف، یکماه بعد از گرفتن کنترل تولید و توزیع به دست شورای کارگری و اخراج آلمانی ها، مواد اولیه (که از آلمان وارد می شد) تمام شد و شرکت آلمانی (با دسته های کارفرما از دادن مواد اولیه خودداری نمود. در نتیجه شورا با تعطیل کارخانه رو برو و فرار گرفتن با کارگران مواجه گشت و مجبور به کناره گیری شد. همچنین در کارخانه صنایع چوب کارگران پس از پیرون راندن کارفرما از کارخانه و به دست گرفتن کنترل

بقیه در صفحه ۲



چرا بازرگان و رفسنجانی از جاسوسی امیرانتظام دفاع می کنند؟

دنیال اسناد اسناد مرکسر جاسوسی امیرکاکه نشان می داد محسوی محسن دولت جمهوری اسلامی جاسوس و عامل امپریالیسم امریکایی، آقای بارزگهان، نخست وزیر دولت موقت و عضو شورای انقلاب به ما نور تازه ای دست زد تا آب رفته را به جوی بارگردانید و آقای رفسنجانی وزیر **بقیه در صفحه ۷**

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر رخان بگوید راست است» (ستارخان)

سال های تکوین انقلاب متروپیت، سال های کودکی و جوانی حیدر عمو اوغلی، سال های نکوس انقلاب متروپیت ایران است. نظام بوسیده ارباب و رعیتی و استبداد مطلقه متودالیسی ارهه به جامعه راه بند کشیده است. مفروگرتگی نوده های ملتوسی دهقان و بی چیران شهری راه خانه خرابی و آوارگی می کشاند. بسیاری برای نامین وسائل معاش به کشورهای همجوار مخصوص به فعاظ مهاجرت می کنند. میدوبندهای فتودالی سشووران و تجار ایرانی را در تنگنا فرار داده و راه رشدشان را مسدود

حیدر عمو اوغلی، نامی درخشان در تاریخ مبارزات مسی ماست. در حقیقت مسی امپریالیسی - دمکراسیک خلق های ایران، نام "حیدر عمو اوغلی" به عنوان یکی از سابقان سوسیال دمکراسی، اعلامی بزرگ مشروطیت سازماندهی برجسته و مدانی کسر در خاطره خلق های مهربان ایران سرحای خواهد ماند.

حیدر عمو اوغلی در سال ۱۲۵۸ شمسی در ارومیه متولد شد. پدرش طبیب، با فرهنگ و دوست دار مردم بود. از این روحدر عمو اوغلی در خانواده های با فرهنگ و روشنفکر پرورش یافت.

شود که رهبری سیاسی حسن ضد امپریالیسی - دمکراسیک خلق های ایران را به دست آورد. و در راه ساختن ایران آزاد و دمکراتیک گام بردارد. ما وظیفه خود می ساسم که طیفه کارگران را باری دهم تا اهداف طبقاتی خود را در مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراسیک و در راه رهایی از سرمایه داری و پستی سوسیالیسم خود را تدارک بیند.

سرمایه داران لیبرال و دوستان سرمایه داری فرار گرفت. سازمان ماکه با آرمان رهاشی طبقه کارگران از بند و سار سرمایه داری تشکیل شده است. می گوید این طبقه را متشکل سازد و خود را تا سطح حزب سیاسی آن ارتقاء دهد تا طبقه کارگران ایران قادر

تولید و توزیع با تمام شدن مواد اولیه رو برو شدند که در نتیجه آن شورای کارگری محل شد. ولی پس از چندی با روشن شدن ماهیت کارفرما و کمیته ای که باعث انحلال شورا شده بود، شورا دوباره با قدرت بیشتر به کار پرداخت اما هنوز هم مسئله وابستگی و کمبود مواد اولیه همچنان حل نشده باقی مانده است.

در این شماره: مبارزات زحمتکشان ارامنه
گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی **در صفحه ۲**
اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی" **در صفحه ۷**
تبلیغات توطئه گرانه توده ایها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا **در صفحه ۳**
۴ صفحه ضمیمه کار شماره ۳۹

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران

Michelle Reza

طرح خودگردانی ...

بقیماز صفحه ۱

نمایندگی خلق کرد در مهاباد و مسافرت توطئه آمیز آقاسی داریوش فروهر به جنوب کردستان جهت نمایندگی تراشی است. ارائه طرح خود ساخته " خود گردانی " زمینه دیگری برای پیشبرد این سیاست ها است. این طرح که هیچگونه ارتباطی با خواست های عادلانه خلق کرد و مبارزه تاریخی آن ندارد در بهترین شکل خود چیزی بیشتر از پاره ای اختیارات محدود اداری و فرهنگی نیست که هیئت حاکمه کنونی برای جلوگیری از تمرکز اداری، خود را مجبور به اجرای آن یافته است. زیرا همان گونه که در سخنان اعضای هیئت ویژه مشاهده کرده ایم، آنها با بیان این که حقوق و مطالبات خلق کرد چیزی فراتر از مطالبات مردم تهران و فارس نیست اساسا ماهیت ستم ملی را تحریف می کنند و می گویند برخاسته های حق طلبانه خلق کرد که مصمم است برای تحقق آنها تا پای جان ایستادگی کند، پوشش بگذارند.

این سیاست داده همان سیاستی است که می خواهد مبارزه عادلانه خلق کرد و دیگر خلق های تحت ستم را برای رهایی از ستم ملی و کسب خود مختاری سرکوب کند. این سیاست ادامه همان سیاستی است که در برابر جنبش مقاومت خلق کرد شکست خورد ما است.

این سیاست نشان می دهد که چه کسانی جنگ طلب هستند و از صلح عادلانه " در کردستان می ترسند. چرا که چنین صلحی را مفایر منافع خود می دانند. این سیاست تنها زمینه را برای تکرار فاجیع شرم آور گذشته فراهم می آورد و در خدمت سرکوبگران قرار دارد.

سازمان مادر مورد مسئله کردستان همواره بر این اساس عمل کرده است که جنگ کردستان جنگی ناخواسته و تنها به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. از این رو هم صدا با خلق کرد، چه قبل از آغاز جنگ، چه در جریان جنگ و چه در طرطبول مذاکره، همیشه از راه صلح آمیز مسئله کردستان جانبداری کرده و در جهت آن از هیئت کوشی فراگذار کرده است.

مایک بار دیگر وقایع اعلام می داریم که برخاسته های حق طلبانه خلق کرد تاکید داریم و از مواضع اعلام شده هیئت نمایندگی خلق کرد، جانبداری می کنیم. ماهرگونه سیاستی را که بخواهد حق مسلم خلق کرد و زحمتکشان سراسر ایران را نادیده گیرد، شدیداً محکوم می کنیم و هنگام با نیروهای مترقی تا پای جان در کنار خلق های تحت ستم میهن خود به مبارزه عادلانه ادامه داده و از خواست های برحق آنان دفاع خواهیم کرد.

گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی

یک سال از شهادت کامران نجات الهی، استاد جوان و مبارز دانشگاه می گذرد. در آذرماه سال ۱۳۵۷ به منظور مقابله با دولت امریکائی، بختیار که مذبحخانه تلاش می کرد با بستن دانشگاه هار کسترش مبارزات ضد امپریالیسمی - دمکراتیک مردم میهن ما - جلوگیری کند، استادان مبارز دانشگاه دست به تحصن زدند. دبیرخانه دانشگاه محصل نعمن استادان با شعار "تازگشائی دانشگاه، این سگر آزادی آذین شده بود. دولت بختیار اقدام به محاصره دبیرخانه کرد و از پیوستن دیگر گروه های استادان - متحصنین ممانعت به عمل آورد. این عده به ناگزیر در ساختمان وزارت علوم متحصن شدند. در همین محل بود که دکتر کامران نجات الهی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و ع شهادت رسید.

شهادت نجات الهی به مغرت مردم از رژیم شاه و بختیار عمقی نازه داد. تا آنجا که مراسم تشییع جنازه کامران نجات الهی به صورت یکی از روزهای خویس مبارزات مردم درآمد و همانند ۱۷

شهر پرور ۱۳۵۸، پایه نمایش گذاشتن درنده خونی ارتش آریامهری دست پرورده امریکاو سز فاطمیت و سرسختی و روحیه سازش ناپذیر خلق به باخاسته های ویژه ای را در تاریخ این مبارزات به خود اختصاص داد. در این روز جنازه استاد شهید از محل بیمارستان به سوی بهشت زهرا حمل شد.

پیش از آغاز تشییع جنازه، کرم سنحانی و چند تن دیگر از لیبرال های حبه ملی سخنرانی کردند و کوشش به عمل آوردند تا از این موقعیت برای تشییع خود کسب وجهه برای حبه ملی بهره برداری کنند. ولی مردم که شرار آریومحبه مبارزاتی بودند نی اعتنا به نصاب رهبران حبه ملی، بکار چه علیه رژیم و تسلیم طلبان شمار می دادند و هنگامی که درخشش - این چهره شناخته شده امریکائی - می خواست با حمایت لیبرال ها سخنرانی کند او را از پیش تزیین به زیر کشیدند. در چنین راهپیمائی مردم به جای تکرار شعارهای محافظه کارانه و سازشکارانه حبه ملی، شعارهای سازمان چریکهای فدائی خلق

دو خباز ترکمن صحرا

بقیماز صفحه ۱

شوراها در جهت قطع وابستگی ...

پیام ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به قهرمان ایران.

اعلامیاد فاشگرانه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن درباره تبلیغات عوام فریبانه حزب توده.

ترکمن صحرا - ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه مشترکی برای خلق های قهرمان و مبارز ایران پیامی فرستادند. در این پیام آمده است:

مردم مبارز ایران! روی سختمان باشماست. زمانی که روس تاشیان و زحمتکشان ترکمن صحرا تحت نظارت و مدیریت شوراهای مردمی با جدیت و کوشش به گشت زمین های باز پس گرفته خود پرداختن نمود می خواهید با کشت صحیح آنچنان افزایشی در تولید گندم کشورمان ایجاد کنند که مشتی محکم بردمان پیازه گویان غاصب بگویند، سرمایه داران و زمین داران بزرگ و غاصبین که مرگ خویش را نزدیک می بینند، به انواع حیل و توطئه ها متوسل گردیده و در سرتاسر منطقه دست به حمله به زحمتکشان و کشتار آنها زده و سعی در نابود کردن و جلودادن منطقه می نمایند. آنها می خواهند با این قبیل حرکت خود، مردم ترکمن صحرا را به جنگی تحمیلی بکشانند و از جانب دیگر دولت راهبر سرکوب خلق ترکمن متقاعد سازند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه دیگری تحت عنوان "دانش و جنگ آریومهری" تبلیغات عوام فریبانه حزب توده را افشاء کرده و چنین نوشته است: "حزب توده که درست بعد از آرام شدن وی خطر شدن اوضاع و احوال ترکمن صحرا آرام آرام، فرصت طلبانه از سوراخ سربیرون آورده، در طی فعالیت چند هفته ای خود همواره به عناوین مختلف سعی در محکوم کردن مبارزات خلق ترکمن و دهقانان و زحمتکشان روستا نمود ما است، موضع گیری های حزب توده در منطقه ترکمن صحرا عملاً آن را در کنار غاصبین، زمین داران بزرگ و سرمایه داران وابسته قرار داده و مداح سینه چاک مرتجعین کرده است."

در این اعلامیه آمده است: "حزب توده به عنوان بلندگوی ارتجاع می خواهد اذهان توده ها را برای سرکوب خلق مبارز ترکمن آماده سازد و محیط را برای جنگ فراهم نماید."

ملی نمودن آنها از کارگران اسکله بوشهر خواست که مانع خروج آنها شوند.

علت همه این کارشناسی ها مشخص است. این کارشناسان کسانی جز حامیان سرمایه داری نیستند. علیرغم این که این کارشناسان با نفرت اندازی ها، تهمت زدن ها و دستگیری کارگران مبارز به بهانه های واهی و حتی به سرکوب خونین مبارزات کارگران می پردازند، شوراها گام هاشی در جهت قطع وابستگی برداشته و همچون گذشته در این مسیر پیش می تازند. مبارزات طبقه کارگر ایران در راه قطع وابستگی های اقتصادی برای سازماندهی اقتصاد کشور در جهت نیازهای توده های همواری کند. کارگران در جریان مبارزات خود هر روز بیشتر از روز قبل درمی یابند که تنها راهبری آنان قادر است که با نابودی نظام سرمایه داری وابسته اقتصاد کشور را در جهت نیازهای توده های ویراساس امکانات مادی جامعه سازمان دهد. این مبارزات نقش قاطع طبقه کارگر را در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیسمی اثبات نموده گام بزرگی در تعمق جنبش ضد امپریالیسمی - دمکراتیک خلق های ایران به حساب می آیند.

ایرانی پیدانند آن وقت فکر دیگری می کنیم. هیئت مدیره به ناچار به این خواست شوراتن می دهد. سپس شورا در روزنامه آگهی می کند که کارخانه ماشین سازی را که به کارشناسان و مهندسی ایرانی جهت جایگزینی مهندسی و کارشناسان خارجی نیازمند است. با آمدن مهندسی ایرانی و استخدام آنها در روز ۲۴ آبان ماه هیئت مدیره اعلام می کند که کارشناسان خارجی اخراج به جای آنها مهندسی ایرانی استخدام شده اند. به این ترتیب هیئت مدیره به خواست کارگران تن می دهد و شورا گام اولیسه و پیروزمندانای در جهت قطع وابستگی برمی دارد.

البته در تمام این موارد ما شاهد کارشناسی ها و دسیسه های کارفرما وزارت کار و دولت که پس از قیام همواره از سرمایه داران وابسته پشتیبانی می نمود بودیم. مثلاً ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان در یادار مدنی دستور انحلال شورای اسلامی کارکنان شرکت حفاری "سدکو - ایران" را داد. ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان با بسیج نیروهای نظامی دستور خارج کردن وسایل شرکت حفاری سنتافه از خوزستان و بازگویی آنها به کشتی ها برای حمل به خارج از کشور و پس دادن آنها به کشورهای امپریالیسمی را داد. در حالی که شورای کارگران شرکت حفاری با

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود



تبلیغات توطئه گرانه توده ایها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا

اخیرا در شماره های متعدد روزنامه "مردم" ذائما هشدارهای مکرری به چشم می خورد که در این باره که ضدانقلاب درگنبد توطئه می کند و ترکمن صحرا آبستن فاجعه است. روزی نیست که روزنامه "مردم" با تیترهای درشت از اوضاع انفجار آمیز گرگان و دشت چیزی ننویسد و برده از فعالیت های "ضدانقلاب" بر ندارد.

ببینیم باز چه شده که فغان "توده ای ها" را این چنین به آسمان برده است و ببینیم چرا اهل دشت روزنامه های دیگر حتی "جمهوری اسلامی" و "انقلاب اسلامی" و... نتنها هیچ نشانی از این توطئه های "هولناک" به چشم نمی خورد بلکه رادیو ایران گزارش کامل کننده شورش های دهقانان ترکمن صحرا را پخش می کند.

ما جزا از این قرار است که با ورود هیئت منفرد وزارت کشاورزی به منطقه همکاری این هیئت با ستاد شوراهای ترکمن صحرا و اقدامات جدی در زمینه انتقال زمین های غصبی به دهقانان و صدور اسناد مالکیت به نام آنان و لغو اسناد مالکیت زمین داران بزرگ به وحشت افتاده اند که میادان زمین هایشان را بگیرند و به دهقانان بدهند.

ما جزا از این قرار است که بسیاری از "توده ای ها" که تعداد کودتای ۲۸ مرداد نوکری رژیم شاه را پذیرفته و به دربار و دستگاه راه یافته اند، درازا خوش خدمتی های خود، قطعات چند صد هکتاری از زمین های بی بی دهقانان را به عنوان پاداش از دست "آریا مهر" دریافت داشته اند. مثلا "جعفر بای" که سالها عضو حزب توده بوده است، یکی از بزرگترین زمین داران به حساب می آید که...

بازرگان می خواهد ارتش شاهنشاهی را...

بقیه از صفحه ۸
در بست مطیع فرمان شاه و امپریالیسم بودند دلیل طرد آنان نمی شود. چون لازمه وظیفه یک افسر اوقات ارفاق خود است. همانطور که وظیفه یک معلم درس دادن در چارچوب برنامه طرح ریزی شده است. نه تنها در ارتش بلکه کارمندان کلیه سازمان های دولتی نیز مطیع دستور رژیم بودند.

بلی، آقای بازرگان با این مقایسه غلطشان آب نظهر بر سر آن ها که گلوله هایشان را بر مردم نشانه رفتاند می ریزند و با قید این موضوع که اطاعت از مافوق امری شرعی است، پرسنل را بآردیگر به اطاعت از فرماندهان یعنی مزدورانی نظیر شاکرها فلاحی ها و باقری ها و... دعوت می کند.

آقای بازرگان این را شنیده اند که برخی گروه های سیاسی مترقی و پرسنل انقلابی پس از انقلاب سخن از انحلال ارتش به میان آورده اند. اما هرگز منافقان ایجاد نمی کنند که به شاخص...

دادگاه لاهه و شورای امنیت

مؤسساتی در خدمت امپریالیسم امریکا

سرمایه داری جهانی تاسیس یافته است. این دادگاه در حقیقت همانند سایر ابزارهای مشابه، برای اعمال فشار و ارعاب خلق های تحت سلطه سازمان یافته است. اکثریت آرای دادگاه لاهه و سازمان های حقوقی بین المللی نظیر آن، در حقیقت آرای امپریالیسم و منحیدین آن است و تنها تبلیغات امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار وابسته به آن در کشورهای وابسته، بدان آب و رنگ عدالت طلبانه ای داده است. از این رو خلق های جهان برای رای دادگاه لاهه ارزشی قائل نیستند.

تشکیل فرمایشی دادگاه لاهه که قاضی انگلیسی "تافی" ریاست آن را بر عهده داشت و سیاه شکایت امپریالیسم امریکا تشکیل شد، با رای صادره به تاریخ ۲۴ آذرماه علیه مردم ایران که "توافق آرا" صادر شد، در حقیقت به غارت ها و کشتارهای امپریالیسم امریکادر مین ماسحه گذاشت.

دادگاه لاهه با محکوم کردن خلق قهرمان ایران به صدای بلند اعلام داشت که از سلطه مین ماسحه امپریالیسم امریکادر مین ماسحه مرگ تدریجی صدها هزار زحمتکش ایرانی و قهر رنج بین المللی سواد و خاندان به دوش، بدنبال داشته است حمایت می کند از همین رو است که توده های قیام کننده مین ماسحه و بیژاری به دادگاه لاهه می نگرند و برای رای آن عیب ارزشی قائل نیستند.

قراردارند و به گونه ای ابزارهای انقیاد خلق هائی هستند که برای رهایی از سلطه امپریالیسم مبارزه می کنند. ۳۳ سال فعالیت این سازمان هاتنها این راه انبساط می رساند که پیوسته علیه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفته اند. هر چند پس از گذشت ۳۳ سال از تاریخ ایجاد این سازمان ها، تناسب قوا به نفع ملل ازبند رسته در حال تغییر است ولی هنوز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا با متحدین خود رهبری امین سازمان های بین المللی را در اختیار دارد. مثلا در شورای امنیت از ۵ عضو دائمی آن، سه دولت امریکا، انگلیس و فرانسه با داشتن "حق ویتو" منافع امپریالیسم امریکا را در هر مسأله ای که ایجاد جهانی می یابد، تامین می کند.

قطعه ها هائی هم که تحت مسازرات ضد امپریالیستی ندرتاً از این مجامع بین المللی صادر شده است - نظیر نظامه درباره فلسطین - عملاً هیچگونه ضمانت اجرایی نداشته و پوششی برای خنابتهای امپریالیسم جهانی بوده است.

دادگاه لاهه نیز به عنوان یک دادگاه بین المللی در تحلیل نهایی درست همان نقشی را دارا است که دادگاهها در یک جامعه سرمایه داری برای ادامه تسلط سدگران بر ستمکشان دارند. با این تفاوت که فعالیت دادگاه لاهه در عرصه بین المللی است و برای تنظیم روابط بین ملل به سود...

امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکا که هنوز بر سر قسمت های وسیعی از جهان سلطه خود را گسترده است برای حفظ وندام حیات خود در صحنه جهانی ابزارهای گوناگونی در اختیار دارد. کارتل ها و تراست ها و انحصارات سرمایه داری جهانی از طریق پیوندی که با اقتصاد کشورهای تحت سلطه آسیا و آفریقا و امریکا لائین دارند و بر زمین و خود نظام سرمایه داری که با هزاران رشته با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا پیوند دارد، نمای سلطه گرانه خود را مین می کند.

دولت های وابسته امپریالیسم با پیتر فدرترین سیستم ها و نهاد های سرکوب، حافظ منافع امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار شریک آن است و سازمان های جاسوسی با تعداد حسابی، دستگاه های حقوقی و ساسی بین المللی به متابعت امپریالیسم برای بازسازی از جامع امپریالیسم در عرصه بین المللی سازمان یافته اند.

این سازمان ها در عرصه بین المللی همچون دستگاه های قانون گذاری و دادگاه های بزرگ، سرمایه داری برای اعمال سلطه خود و تحکیم سلطه امپریالیسم جهانی به خدمت ترومه می شود در حقیقت دستگاه عیاشی نظیر شورای امنیت و دادگاه لاهه و سازمان ملل، عملاً موسساتی هستند که در خدمت سانسیم انحصارات و سرکوب داران جهان...

سال ۱۹۸۵ سال آزاد شدن آل سالوادور خواهد بود

این جنبش پشتیبانی می کنند. همه ما مضمّن شده ایم بیرونی یا کنته شویم. کارگران اعتصابی کارخانه ساحی آل سالوادور که منع هستند سخته گذشده، ۲۰۰۰ نفر را کربان گرفتند تا کار فرماها را وادار کنند حقوقشان را برامان دهند و در هرمان احادیه ها را که دستگیر شده بودند، آزاد نمایند.

او اعلام داشت "ما سر مشقوار مبارزات خلق نیکاراگوئه علیه نظامیانی که در آل سالوادور حکومت می کنند، و قهر و کورسنگی و بدبختی نتیجه حکومت آنهاست، تا آخر مبارزه خواهیم کرد. جنبش های مختلف آزاد بخش آل سالوادور بیک وارد پیروست و جدت شده اند و چهار میلیون اهالی آل سالوادور کدزیری بیسوع ملاکین بزرگ رنجی برتند، از نظام...

آل سالوادور - "اسلمو" یکسار فرماندهان برجسته جنبش چریکی آل سالوادور اعلام داشت که سال ۱۹۸۵ سال آزاد شدن آل سالوادور خواهد بود. "اسلمو" فرمانده "جنبش های رهایی مزی آل سالوادور" است. او پیوسته در جنبش های سانسیم علیه رژیم سوسیال در نیکاراگوئه می جنگد و با یک مبارزه چریکی علیه خلق را در آل سالوادور رهبری می کند.

قسمتی از اطلاعاتی به شماره ۴ گروهی از روزنامه نگاران و خبرنگاران بیکار

حساب و بستنی داریم. به امید پیروزی خلق ها و محو کامل امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آنها و به امید روزی که نظموعات ایران آزادی واقعی داشته باشند.

گروهی از روزنامه نگاران و خبرنگاران بیکار شده مطبوعات

آراد دوربان کند. هم مینان، نویسندگان آزاد و بیکار شده مطبوعات و کارگران بیکار شده این نشریات، چه در نشریه وجه در جابخانه ها یا اینکه سرگردانی برای بیان حقائق و نظریات خود ندارند، اما از هر وسیله ممکن برای افشاکری استفاده خواهد برد و ما از همه شما دیگر همکاران بیکار شده خود می خواهیم ما میبویند و از سازمان ها و گروه های مترقی انتظار اعلام...

هم مینان با ما همصدا نویسند و علیه اس تحرم ساسی و فرهنگی به خرید و به دورارتان سیر تبلیغات یک خانه، ممدام از خودتان بپرسید "چرا این همه ستم و فشار؟ چرا اس همه بیکاری، چرا حفظ نظام سرمایه داری و دهی کچی به زحمتکشان ایران؟ چرا، چرا، چرا؟ و آن وقت متوجه می شوید که چرا می خواهید صدای نویسندگان متعهد را سرید و از صحنه مبارزات علی مطبوعات...

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

با پاکسازی انقلابی کارخانه ها، مبارزه ضد امپریالیستی را ارتقاء دهیم

جندخبر کوتاه کارگری

پیروزی کارگران "حریز" نتیجه اتحاد انقلابی آنهاست

کارگران کارخانه حریز تصمیم به تشکیل شورا گرفتند. کارفرمای کارخانه (مدنی) برای جلوگیری از حرکت کارگران اقدام به اخراج دو نفر کارگر از تاریخ ۱۱ آذر ۵۸ گرفت تا از این طریق مانع ایجاد شورا گردد. تداوم مبارزه کارگران برای تشکیل شورا و بازگشت کارگران اخراجی منجر به عکس العمل محدود کارفرما گردید و در تاریخ ۱۵ آذرماه ۵۸ ده نفر از کارگران را اخراج نمود. مبارزه بازگرداندن

کارگران کارخانه حریز تصمیم به تشکیل شورا گرفتند. کارفرمای کارخانه (مدنی) برای جلوگیری از حرکت کارگران اقدام به اخراج دو نفر کارگر از تاریخ ۱۱ آذر ۵۸ گرفت تا از این طریق مانع ایجاد شورا گردد. تداوم مبارزه کارگران برای تشکیل شورا و بازگشت کارگران اخراجی منجر به عکس العمل محدود کارفرما گردید و در تاریخ ۱۵ آذرماه ۵۸ ده نفر از کارگران را اخراج نمود. مبارزه بازگرداندن

خبر تاسف باری از پالایشگاه تهران

از دزدی کارگر پالایشگاه تهران بعد از ۳۹ سال کار طاقت فرسا قبل از آن که به مرحله بازنشستگی برسد، در حین بازگشت از کار در آن

از دزدی کارگر پالایشگاه تهران بعد از ۳۹ سال کار طاقت فرسا قبل از آن که به مرحله بازنشستگی برسد، در حین بازگشت از کار در آن

یاد علی مرادی کارگر رزغندة

بندر خمینی (شاهپور سابق) گرامی باد

و به همین منظور و بیشترین نیروی خود را برای ارتقاء آگاهی و دانش کارگران به کار برد تا آنها را متشکل گرداند. زیرا همواره معتقدیم هر یک از کارگران می توانند به حقوق پامال شده خویش دست یابند. رزمندگان جنوب را گرامی می داریم

علی مرادی کارگر مبارز اداره بندر خمینی در یک حادثه نااندرکی جان سپرد و بدین برای تمام کارگرانی که او را می شناختند در خاطره ها جاودان ماند.

علی مرادی کارگر مبارز بود. علی نمونه یک کارگر مبارز بود که همواره در دو بخش رهایی طبقه کارگر از قید استثمار زوال صفاتی بود که عمری حاصل کارشان را به غارت می بردند

کارگران آگاه چیت ممتاز

مجمع عمومی شورای فرمایشی را بدادگاهی علیه کارفرما تبدیل کردند

در تاریخ ۱۹ آذرماه ۵۸ که شورای فرمایشی چیت ممتاز برای فریب کارگران و عوام فریبی تشکیل شده بود به وسیله کارگران آگاه تبدیل به جلسه محاکمه آنها گردید. کارگران آگاه با ارائه مدارکی پرده ازدزدی مقدم مدیر عامل شرکت و همکاری نمایندگان شورا با کارفرما برداشتن مدارک آن قدر مستدل و محکم بود که کارفرما و نمایندگان سازشکار شورا نتوانستند زیر پوشش اسلام و صلوات خود رانجات دهند.

در تاریخ ۱۹ آذرماه ۵۸ که شورای فرمایشی چیت ممتاز برای فریب کارگران و عوام فریبی تشکیل شده بود به وسیله کارگران آگاه تبدیل به جلسه محاکمه آنها گردید. کارگران آگاه با ارائه مدارکی پرده ازدزدی مقدم مدیر عامل شرکت و همکاری نمایندگان شورا با کارفرما برداشتن مدارک آن قدر مستدل و محکم بود که کارفرما و نمایندگان سازشکار شورا نتوانستند زیر پوشش اسلام و صلوات خود رانجات دهند.

اقدام قاطعانه

کارگران "شرکت بارنویس بندر" خرمشهر

از آنجا که مبارزه با سرمایه داری وابسته را بخشی از مبارزات با امپریالیسم می دانیم، لذا در تاریخ ۱۸ آذر ۵۸ جهت تحقق خواسته های خویش و خلع پید از سرمایه داران وابسته به رژیم قبلی و پایداری آنها در خطوط کشتیرانی، دست به تحصن در شرکت بارنویس زده و مدیر عامل و عده ای از کارکنان را در محل خود به گروگان می گیریم. در برابر اقدام قاطعانه کارگران عدو پنهان های دلالان و پادوان انحصارهای جهانی بی شکر گردید و آنها مجبور شدند خواسته های برحق کارگران را بپذیرند.

خوزستان - کارگران "شرکت بارنویس بندر" خرمشهر، در اعتراض به بی توجهی مقامات دولتی به مطالبات برحق آنان و در ادامه مبارزه با سرمایه داری وابسته به امپریالیسم دست به اقدامی انقلابی زدند. آنها در تاریخ ۱۸ آذر ۵۸ با گروگان گیری مدیر عامل شرکت، همراه با ۲۵ نفر از مدیران و سهام داران شرکت های کشتیرانی، به این بی توجهی پاسخ دادند. در قطعنامه ای که از طرف شورای کارگران به دنبال این اقدام صادر شد، آمده است.

مورد بسیار ارحم کند" در آن واحد هم اعتصاب مکتوب فدراسیون و هم اعتصاب سراسری راه آهن را درهم شکند. مذاکرات و پیشنهادات مهندس بازرگان و توصیه ها و فتوای آیت الله شریعتمداری به هیچ وجه نتوانست شورای کارگران راه آهن را از راه درست و انقلابی اش منحرف نماید و تصمیم گرفته شد که ناآحا که کوچکترین لطمه ای به اعتصاب نعت و راه آهن نزنند، در این مورد اقدام نموده و تسهیل قطار حامل نعت که در شروع اعتصابات در بین راه حرمشهر - تهران متوقف مانده بود، به تهران فرستاده شود.

شورای کارگران راه آهن همچنین آگاهانه توطئه امپریالیستی دیگری را خنثی نمود. رژیم شایع کرده بود که تهران به گندم نیاز مبرمی دارد و لازم است چندین واگن گندم که تهران ارسال شود، در حالی که واقعیت این بود که اراضی وسیع و حاصلخیز شاه می خواست آن گندم را به تهران منتقل کند.

کلوله به جای نان برای مردم مبارز تهران، کارگران آگاه راه آهن این توطئه را سراسر خنثی کردند. همچنین وقتی که در اثر فقدان دغال سنگ کربور لند ذوب آهن در خطر صایع شدن قرار گرفت، شورای کارگران راه آهن به انکای تشکیل یک کارگر و با ارسال به موقع دغال سنگ، ذوب آهن را از خطر انهدام رها نمود. در پی این مبارزات شورا بارها شایستگی را در اداره امور و تصمیم گیری های اصولی بر اساس منافع کارگران و جنبش انقلابی نشان داد. اما آنسای بازرگان "نخست وزیر منتخب امام" در اولین فرصت (۲۵ روز پس از قیام شکوهمند و خونین بهمن ماه) با انتصاب مهندس حبیبی (این مهره امپریالیسم امریکایی) امریکایی ها به مناسبت خوش خدمتی هایش نشان لیاقت گرفته بود) به ریاست راه آهن عملاً مسئولیت شورای کارگران را نفعی کرده و آب سردی بر شورش مبارزه جوانان آنان ریخت تا مبارزه کارگران را در جهت تصفیه عناصر سرسپرده و سازشکار اداره راه آهن توسط شورای کارگران به بیراهه کشاند. تمام مهره هایی که در طول مبارزه توسط خود کارگران از راه آهن و به ویژه از کارخانجات اخراج شده بودند و تمام ساواکی هایی که توسط کارگران شناسایی شده اند، مجدداً به کار گرفته شدند و پولی که می بایست برای پرداخت خسارت اضافی کارگران پرداخت شود، به جیب این مزدوران ریخته می شود. در حال حاضر پاکسازی انقلابی و کلیه عناصر ساواکی و سرسپردگان امپریالیسم ادامه همان مبارزاتی است که کارگران مبارز

راه آهن دولتی ایران به عنوان یک موسسه عظیم ارتباطی و حمل و نقل با بیش از ۳۵ هزار کارگر و کارمند در سراسر ایران و به مناسبت یکی از بزرگترین حوادث کشور، از موقعیت مهمی برخوردار است. راه آهن در رأس همه موسسات حمل و نقل موجود در ایران صرف نظر از جنبه صرف خدماتی اش در حمل و نقل و ارتباطات، از نظر استراتژیک و نقش که در حیات سیاسی جامعه می تواند داشته باشد، حائز اهمیت فراوانی است. شرکت فعالانه و یکپارچه کارگران مبارز راه آهن در اعتصابات همگانی در جریان قیام که سیستم حمل و نقل ارتش را از نظر سوخت و تسلیحات فلج نموده و تحرک نیروهای سرکوبگر رژیم شاه را به حداقل رسانید، اهمیت استراتژیک این رشته را در ضربه زدن به رژیم به خوبی نشان داده است. کارگران رزمنده و پیشرو راه آهن در جریان قیام در یافتن راه آهن یکی از سنگرهای مبارزاتی ضد امپریالیستی است. کارگران مبارز پس از آنکه در نیمه دیماه ۵۸ به متشکل ترین مبارزه خود علیه رژیم شاه دست زدند، با درک اهمیت مبارزه خود و ضرورت پیگیری سازش ناپذیری هر چه بیشتر به تشکیل "کمیته اعتصاب همت گماشتند. همسر کارگران راه آهن طین صدای یکی از یاران مبارز خود را به یاد دارند که در حلقه محاصره پلیس و مأموران حکومت نظامی فریاد می زد:

"پلیس و ارتش مزدور شاهو امپریالیسم هیچ سازش و مسالمتی نداریم. مبارزه تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت." در همان روزهای اول کارگران به شوه ای انقلابی کلیه عناصر سرسپرده و مزدور و ضد کارگر را بیرون ریختند. پس از یک هفته "کمیته اعتصاب" در جریان تکامل خود تبدیل به شورای منتخب کارگران راه آهن گردید که با ۵۷ نماینده از بخش های مختلف راه آهن از فعالیت فعال و بی چون و چرای کلیه کارگران برخوردار بود. این شورا از بدو تشکیلش فعالانه در جهت سازماندهی و رهبری کارگران گوشید و مبارزه را از درون کارخانجات به خیابان ها و به میان مردم و در کنار دیگر همسنگران زحمتکش خویش کشانید عملکرد شورا چه در رابطه با خلع پیداروسا و مدیران سرسپرده و چهار لحاظ رهبری و جهت دادن به مبارزه کارگران، سمتی اصدا امپریالیستی داشت. اما بورژوا لیبرال ها و سرسپردگان سازشکار آن که ادعای ضد امپریالیست بودن هم داشته اند از ترس این که مبادا گسترش اعتصابات کارگری رشته کارها را اردستان خارج کند به دست و پا افتاده و سعی نمودند تحت این عنوان که "مردم به نفت احتیاج دارند و راه آهن می بایست نفع

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و



مبارزات زحمتکشان ارامنه

شده بود که صاحب آن اتفاقا همان سردبیر روزنامه البیک از آب درمی آید. زن توضیح داد که چاقو کشتن حزب فاشیستی دانشناکسیون که سردبیر روزنامه البیک عضو کمیته مرکزی آن است در روز پیش با هجوم به خانه مذکور اثابته زن را به خیابان ریخته اند. کارگرد بگری در مورد عضو دیگری از اعضا شورای خلیفه گری به نام ویگن گورگیان دست به افشاکری زد. ویگن گورگیان که صاحب ۴ کارخانه صنعتی می باشد و مبالغ هنگفتی حاصل دسترنج کارگران را غارت می کند از جمله مقداری از حقوق و مزایای کارگر مذکور را پرداخت نکرده و یک سال و نیم دوندگی این کارگر به حایسی نرسیده است.

به این ترتیب در اجتماع روز دوشنبه مردم ضمن افشاکگری از ماهیت شورای خلیفه گری وابستگی آن را به حزب دانشناکسیون که مدافع سرمایه داران وابسته است، محکوم نمودند. (شایان ذکر است که حزب مذکور در زمان دیکتاتوری شاه همکاری های چشمگیری با ساواک و سیا داشت. در ایران و سایر کشورها مانند سوریه، مصر، لبنان فعالیت داشته و علیه منافع زحمتکشان ارمنی و در اختلاف با بورژوازی وابسته و حکومت های ارتجاعی عمل می نموده است و بالطبع اکنون نیز همین فعالیت ها ادامه دارد.)

همزمان با انجام این افشاکری ها حزب فاشیستی دانشناکسیون بیگار سعانده و بایلندگو و به صد آ در آوردن ناقوس ها و اعلان های دروغین مبنی بر این که عده ای از ترک ها به کلیسا حمله کرده و اسف اعظم راه گروگان گرفته اند احساسات مردم را تحریک نمودند و مردم ناآگاه راه صحن کلیسا آوردند. همراه مردم حدود ۲۵۰ تن از قه کشان و اراذل وابسته به دانشناکسیون که به کمک محافظان ارتجاعی مسلح به یوزی و کلت هستند به مردم زحمتکش حمله کردند.

طبق خبرهای رسیده قه کشان از روزهای پیش در کلوب ارامنه نقشه حمله به تجمعات زحمتکشان را ریخته بودند. به همین دلیل اقدام فاشیستی آنها فقط به روز دوشنبه محدود نشد و در روزهای بعد به انجمن آرمین و هزاران نیز پیش بردند و تعداد مجروح نمودن عده های کلیه و سایر موجود در انجمن هارا شکستند و با برداشتن لیست اعضای انجمن های مذکور، فرار کردند.

اکنون زحمتکشان ارمنی به ویژه بعد از مشاهده عینی این اقدامات حایب است از سوی حزب مذکور و شورای خلیفه گری وابسته به آن هر چه بیشتر در مبارزات خود مصمم شده اند و همچنان خواستار انجلا ل شورای سرمایه داران و انجام انتخابات آزاد هستند و پشتیبانی سرمایه داران ارمنی محکوم می کنند.

پرتوان باد مبارزات همه زحمتکشان خلق

کارگران و سایر زحمتکشان ارمنی مانند خلق های تحت ستم ایران از سیم مضعف رنج می برند. آنان مانند سایر زحمتکشان با درآمدی ناچیز و باحتی با وجود بیکاری های طولانی مجبور به تحمل مخارج سرسام آور زندگی اعم از کرایه خانه و شهریه مدارس کودکانشان و غیره می باشند و این فقیسط در شرایطی است که شورای خلیفه گری و وابستگان به کلیساها ثروت های بزرگی را در اختیار دارند که از رنج و خون همین زحمتکشان گسرد آمده است. زحمتکشان ارمنی دوشادوش سایر هموطنان ایرانی خود در تمام مبارزات و جنبش های مردمی به ویژه از مشروطیت تاکنون شرکت فعال داشته و شهید ای بسیاری تقدیم انقلاب نموده اند. آنها انتظار داشتند با پیروزی قیام دست سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ از سر نوشت مردم کوتاه شود و در ایرانسی آزاد و دمکراتیک به دور از هرگونه ستم و بهره کشی زندگی کنند، که چنین نشد.

در چند ماه گذشته ارامنه زحمتکش مناطق محیده، نارمک، زرکشو... بارها در گرد همایی های خود خواستار انحلال شورای خلیفه گری، تشکیل شوراهای واقعی مشکل از کارگران ارمنی و دانشجوهای و سایر زحمتکشان از طریق اسبابا دمکراتیک بودند و برای رسیدن به خواست های خود از جمله تغییر اعلامی در منون درسی ارامنه ایجاد باشگاه، خانه، زمین کلیسا، دبیرستان در مناطق ارمنی نشین، مبارزه کرده اند.

این بار روز دوشنبه ۲۶ آذرماه ۵۸ در اطاق شورای خلیفه گری جمع شدند تا از اعضای شوروا خواستند تا به میانشان آمده و به سئوالات پاسخ گویند. اما چون سورامجمعی است از سرمایه داران که با حرف ها و دردهای مردم نا آشنا هستند و رنج های مردم را حس نمی کنند طبیعی بود که مانند گذشته نارهم از حضور در میان مردم خودداری کنند. اما سرانجام وقتی با جمعی در حدود ۶۰۰ تن روبرو شدند اجبارا به میان آنها آمدند و با ناقص گوئی هایی که هنگام پاسخ دادن به سئوالات مردم بدان دچار شدند خسودرا بیشتر افشاکردند. در اجتماع روز مذکور یکی از زبان زحمتکش ضمن توضیح در مورد زندگی خود یکی از سرمایه داران ارمنی را که صاحب روزنامه البیک است افشاکرد و زن مذکور اظهار داشت که شوهرش بعد از ۳۵ سال کار در روزنامه البیک فوت کرده است. اما این روزنامه از پرداخت هرگونه حقوقی به وی سه فرزندش امتناع ورزیده است. و او اجبارا برای تأمین مخارج زندگی و هزینه تحصیل فرزندانش می بایست هر روز سه کارهای دشوار دستزند. اما سال این شیرزن بطور تصادفی و به کمک مردم خیابان میرزای شیرازی در یکی از خانه های خالی ساکن

بقیه از صفحه ۱

فکران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان ...

برای هر روز کار در سر چاه حتی اگر هیچ گونه عملیات حفاری انجام ندهند، حدود ۱۰ هزار دلار در روز.

بر این ها باید هزینه های تأخیر (سورشارز) در عملیات، هزینه ادوات، هزینه حمل و نقل و لوازم و پیرسل به نقاط دور افتاده، هزینه کالاهای لازم برای عملیات حفاری، هزینه کادر اضافی لازم برای عملیات و هزینه های تأمین آب، نقل و انتقالات، استراحت گاه ها و تأمین حفاظت را افزود. که از سوی "شرکت ملی نفت ایران" و به حساب طبقه کارگر ایران پرداخت می شد. همچنین باید اضافه کرد که این شرکت ها در واردات کالاها و تجهیزات خود از پرداخت هرگونه عوارض مالیاتی معاف بودند و هیچ گاه هزینه خسارات را پرداخت نمی کردند و ... از این جا بود که هزینه کار حفاری بر سر یک چاه در خشکی تا ۲۵۰۰۰ دلار در روز می رسد. و این موجب می شد که هزینه حفاری یک چاه با مشخصات کاملاً مناسبه در ایران ۱۱ برابر امریکا باشد. در حالی که بسیاری از کالاهای ویژه نیروی انسانی مورد استعمار این شرکت ها در ایران، خیلی ارزان تر از امریکا بود. اما سه تا چهار چاه های دریایی، عاریکسری امپریالیسم ارامنه نفی میهن ما و سبب استعمار از طبقه کارگر ایران را به حقیقت می دهد.

حربان عارت و حفاری و خدمات حنی در ایران چنان عریان است که فقط کافی است نگاهی به جدول زیر بسازیم.

نام شرکت	تعداد کل دارائی اولیه	درآمد در سال
سدکسو	۱۴۰۸۵۰۰۰	۲۴۰۲۶۴۰۵۴۹
ریدینگ اند بیس	۱۴۰۹۰۸۰۰۰	۲۰۰۰۵۰۲۱۳
ایران ریدینگ اند بیس	۱۵۰۲۸۰۰۰	۲۴۰۲۶۰۰۰۵
سانتافه	۱۸۰۱۵۰۰۰	۳۴۰۳۰۲۷۰۱
سد ایران	۲۵۰۲۸۰۰۰	۱۸۰۵۴۴۰۰۸۷
وستگرن	۲۴۰۲۴۴۰۰۰	

ماخذ: قراردادها و همچنین پرداخت های ماهانه شرکت نفت به شرکت های حفاری.

البته این جدول فقط عملکرد تعداد معدودی از شرکت های را که در جنوب ایران، به فعالیت های حفاری و خدمات حنی مشغول بوده اند، نشان می دهد. بسیاری از شرکت های دیگر امپریالیستی که عمدتاً امریکائی هستند سز در طول سال های گذشته در حیران حفاری چاه های نفت به غارت از منابع نفت و بهره کشی از کارگران مشغول بودند. این امر موجب می شد که مثلاً در سال ۱۹۷۷ میلادی به حساب طبقه کارگر ایران مبلغ ۲۳۱۰۴۹۰۵۰۵ دلار به این شرکت ها پرداخت شود.

"ادامه دارد"

آوردند. البته ورود شرکت های جدید به صحنه حفاری و رقابت آنان موجب کاهش هزینه های حفاری نشد، بلکه این شرکت ها سال به سال با بستن قراردادهای جدید با شرکت نفت دریافت های خود را افزایش می دادند. بطوریکه در عرض مدت ۱۰ سال گذشته هزینه حفاری چاه در مناطق نفت خیز بیش از ۱۰ برابر گشته است. در حالی که دکل های حفاری شرکت های امپریالیستی در ایران پس از سال ها و با نسیخ رسمی استهلاک ۱۲/۵٪ در سال مستهلک می شد. ولی همچنان استفاده از آنها ادامه داشت و این خود خطرات فراوانی را در بر داشت که بطور خلاصه و از آن میان می توان به آتش گرفتن چندین چاه در سال های گذشته، از بین رفتن جان تعداد زیادی از کارگران و میلیون ها بشکه نفت و میلیاردها متر مکعب گاز اشاره کرد. حتی این شرکت ها برای سلطه هر چه بیشتر خود در امر حفاری چاه نفت در ایران، پس از سال ها که از بسک دکل استفاده می کردند آن را به شرکت های مختلف ایرانی - خارجی به قیمت های سرسام آور می فروختند. همی حیران موجب پیدایش شرکت های حفاری "سد ایران" و "ایران ریدینگ اند بیس" (سرمایه ایرانی) شد. و به این ترتیب طبقه سرمایه دار ایران در مشارکت با سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) ارمعار، مانع نفت و بهره کشی بی رحمانه از طبقه کارگر ایران سهم خویش را دریافت می دارد.

چرسی قرارداد های حفاری که بین "شرکت ملی نفت ایران" و این شرکت ها بسته شده، عملکرد

امپریالیسم در یک جامعه تحت سلطه راه جوسی نشان می دهد. درآمد سالانه هر یک از این شرکت ها و شرکت های حفاری چاه به چند برابر ارزش اولیه کلیه وسایل و تجهیزات آنها می رسد. این شرکت ها در حیران حفر هر چاه در خشکی در سال ۱۳۵۶ مبالغ زیر را دریافت می داشتند. برای انتقال دکل حفاری به محل حفاری از ۴۷ هزار تا ۱۱۴ هزار دلار. برای حفر هر متر چاه حدود ۱۷۰ دلار و بیشتر.

بسیار آغاز شد. با انعقاد قرارداد امپریالیستی "داری" در سال ۱۹۵۱، انحصارات نفتی مالکیت خود را بر چاه های نفت ایران تدارک دیدند و با گسترش روابط خود آنها را کاملاً در اختیار گرفتند.

امپریالیسم انگلیس به تدریج و با گسترش روز افزون عملیات خود به این نتیجه رسید که از آن ترسین نیروی کار (بدون احتیاج به هزینه های حمل و نقل، میکسو و تغذیه و...) همان نیروی کار محلی است. به این ترتیب دست به استعمار روز افزون زحمتکشان ایران زد. در دهه نخست، این نیروی کار محلی عمدتاً به وسیله قراردادهای که با شیوخ، خان ها و کدخداهای هر محل بسته می شد، مورد استعمار دو جانبه و حشنتاک قرار می گرفت. گسترش تجارت امپریالیسم از منابع نفت و افزایش نرخ بهره کشی انحصاری از کارگران ایرانی، با بیکاری و حشنتاک کارگران نفت در اکتشاف و استخراج و پالایش و به ویژه در عملیات حفاری بود. تانی امپریالیسم انگلیس و حای ها و شیوخ محلی، از یک سو و سرپرستی بی چون و چرای دولت مرکزی از سوی دیگر راه را برای استعمار و حشنتاک کارگران باز نهاده بود. بدون این که هیچ گونه ضابطه و قانونی در سیستم نیمه مستعمره نیمه فئودال آن روز ایران برای احقاق حقوق پاهمال شده طبقه کارگر وجود داشته باشد. کارگر ایرانی به ویژه در عملیات حفاری به ابتدائی ترین و در عین حال طاقت فرساترین کارها مگسارده می شد و در گرمای سوزان تابستان جنوب و سرما و باران زمستان، در کوه ها، دره ها و صحراهای خشک به حفر چاه مشغول بود. در این جریان بیکاری کشنده بسیاری از کارگران ناقص العضو شده، یا جان خود را از دست می دادند. با همه این احوال و حتی پس از پائین نگاه داشتن عمدی آگاهی فنی کارگران حفاری، دیدیم که در جریان ملی شدن صنعت نفت، همین کارگران به همراه مهندسی ایرانی توانستند در کوتاه ترین مدت و مستقلاً چاه نفت حفر نمایند و غارت منابع نفت و بهره کشی از طبقه کارگر.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و انعقاد قرارداد کنسرسیوم، امپریالیسم جهانی به خاطر گسترش بازارهای خود و رشد پروژه تراکم تولید هر روز به تعداد بیشتری چاه نفت نیاز پیدا می کرد. به این ترتیب عملیات حفاری گسترش یافت و سال به سال به تعداد دکل های حفاری افزوده شد. در رابطه با این افزایش نیاز به چاه های جدید بود که شرکت های امپریالیستی برای هجوم به مناطق نفتی ایران باید یکدیگر به شدت رقابت می کردند. ولی شرکت حفاری بین المللی "سدکسو" (که از بزرگترین شرکت های امپریالیستی حفاری در جهان است) در طول سال های دهه ۳۰، انحصار حفاری چاه های نفت در مناطق نفت خیز جنوب را در اختیار خود داشت ولی به تدریج و از واسطه دهه ۴۰، شرکت های حفاری "ریدینگ اند بیس، سانتافه، وست برن، اینتردریل" و ده ها شرکت خدمات جنبی و وابسته به حفاری نفت به ایران هجوم

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمواغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است»

بقیه از صفحه ۱

(ستارخان)



حیدر عمواغلی در "تقریرات" خود می گوید: "حوزه خصوصی مخفی پس از بحث های طولانی تصمیم می گیرد که برای اعلام خطر به مستبدین، به خانه وزیر مخصوص بمبی انداخته شود. چند نفر امروز این کار می شوند. ولی اینها در هنگام عملیات ترسیده، بمب را در خانه زها کرده و فراری می کنند. بمب منفجر نشده، به دست ماموران دولت می افتد. مستبدین این اخطار را جدی تلقی نکرده و همچنان به ترورهای ضدانقلابی خود ادامه می دهند. این باوجود مخفی رای می دهد که بمبی به خانه بگسی از درباریان فاسد به نام علاء الدوله پرتاب شود. وحیدر عمواغلی ماموریت انجام آن را به عهده می گیرد.

محمدعلی میرزای سرکوب نهضت مشروطیت، اتابک یعنی یکی از مهره های اصلی استعمار روسیه تزاری و صدراعظم مستبد زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه را از اروپا به تهران فرامی خواند. اتابک از همان لحظه ورود خود به ایران ابتدا بارشوه عده ای از نمایندگان خائن مجلس را با خود همراه می کند و سپس سرکوب خونین جنس نوده ای در تهران و تبریز را با پشتیبانی "شیخ فضل الله نوری" و دیگر روحانیون قشری سازمان می دهد در چنین شرایطی است که حیدر عمواغلی در "تقریرات" خود می گوید:

"حوزه مخفی اجتماعین، عامیون تهران کسسه ملک المتکلمین و آقا سید جمال واعظ در آن عضویت داشتند اعدام اتابک را رای داده، حکم اعدام اتابک را به کمیته اجراء می فرستد."

کمیته اجرائی عملیات اعدام انقلابی اتابک را به کمیته دهه که تعداد آن ۱۲ نفر و ریاست آن به عهده حیدر عمواغلی بود واگذار کرد. "عباس آقا" تبریزی به حکم فرعه برای این کار انتخاب شد و "ترور سرخ" اتابک به انجام می رسد و عباس آقا جان خود را بر سر این کار می نهد و به شهادت می رسد. از جیب او کارتی به دست می آید که بر روی آن نوشته شده بود:

"عباس آقا صراف آذربایجانی، عضوانجمن نمبر ۴۱ فدائی ملت"

اقدامات این زمان حیدر عمواغلی از تمام جهات ترورهای سرخ به حساب می آید، او در "تقریرات" درباره نتایج اعمال انقلابی سوسیال - دمکراسی انقلابی چنین می گوید:

"طرف عمرباحاجی خان به طرف خیابان لاله زار آمدیم که بسینیم واقعه دیشب چه تأثیراتی در افکار مردم داده است. بلی این مسئله تأثیرات فوق العاده در مردم داده است. حتی اروپائی های مقیم تهران نیز عقیده پیدا کرده می کنند که ایران دیگر ایران سابق نیست، دیگر ملت به حقوق خود واقف شده، حق گرفته شده از دولت را به خوبی نگاهداری خواهند کرد."

مطالعه اسناد موجود نحوه برخورد و تفکر حیدر عمواغلی را نشان می دهد. او از تجارب شکست قیام دسامبر ۱۹۰۵ روسیه برخوردار بوده است. حیدر عمواغلی در "منشآت" خود، اعتقاد منشویک های روسی را، پس از سرکوب قیام دسامبر ۱۹۰۵، مبنی بر این که "نمی بایست" اسلحه به دست گرفت "سخت مورد انتقاد قرار می دهد و نشان می دهد که چگونه بر اعتقادات لنین وفادار و معتقد مانده است. او یکی از پیروان صدیق راه لنین بود. او در تمام فعالیت های سیاسی خود نشان می دهد که به اصول "لنینی" مبارزه طبقاتی وفادار است و بر آشتی ناپذیر بودن تضادهای طبقات متخاصم اعتقاد عمیق دارد. برخلاف "توده ای ها" که بر سر میراث رفیق حیدر عمواغلی هوچگری می کنند - رفیق حیدر عمواغلی به نخستین درس کبیر قیام دسامبر ۱۹۰۵ که لنین آنرا چنین جمع بندی کرده است عمیقاً وفادار می ماند.

"بنابراین چیزی کوهه بینانه تر از نظریه پلخانف نیست که تمام اپورتونیست ها به آن چسبیده اند و بر طبق آن نمی بایست به اعتصاب قبل از موقع پرداخت و سخت و نمی بایست دست به اسلحه برد. برعکس، از این هم قطعی تر وجدی تر و با قصد تعرضی بیشتری بایستی دست به اسلحه برد. لازم بود به توده ها فهماننده شود که تنها اعتصاب مسالمت آمیز غیر ممکن است و لزوم یک مبارزه مسلحانه بی باکانه و بی رحمانه را به آنها توضیح داد و بالاخره حالا ما باید آشکار و پند صدای رسایه عدم کفایت اعتصاب های سیاسی اعتراف کنیم، باید قیام مسلحانه را در میان وسیع ترین توده ها تبلیغ نمائیم و ضمناً این مسئله را با هیچگونه مراحل مقدماتی پرده پوشی نکنیم و هیچ لفافه ای روی آن نکشیم. هرگاه لزوم یک جنگ فداکارانه، یک جنگ خونین و نابود کننده را که وظیفه مستقیم عملیات آینده است، از توده ها مستور داریم، هم خود را فریب داده ایم و هم توده های خلق را.

"لنین - درسهای قیام مسکو" ادامه دارد

بیگانه از مسیر رشد طبیعی باز ماند و نتوانست به بسک بورژوازی صنعتی ارتقاء یابد. حصلت تجاری این بورژوازی رهبری آن را در پیوندهای با امپریالیسم و فتودالیسم قرار می داد و در مبارزه با این دو ناپیگیر و نااستوارش می ساخت نتیجه ناگزیر این امر فقدان طبقه کارگر صنعتی در صدر مشروطیت ایران بود. با این همه مناسبات سرمایه داری رام آرام گسترش می یافت و طبقه کارگر ایران پایه عرصه می نهاد.

براین زمینه ایده های بورژوازی توسط نمایان آن در جامعه اناعه می یابد. ادبیات انقلاب فرانسه در قالب های آشنا با فرهنگ ایرانی توسط "مستفربگها" و اشرافیت آشنا به تمدن غرب و علاقمند به مناسبات بورژوازی تبلیغ و ترویج می شود. نخستین کتاب هایی که در آن از "قانون" و "حکومت قانون" سخن می رفت انتشار می یابد و مبارزه با حکومت فتودالی هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند. روشنفکران و ترقی خواهان از آزار و تعقیب حکام در امان نمی مانند و بسیاری از آنان مجبور به مهاجرت می شوند.

پدر حیدر عمواغلی به خاطر داشتن عقاید مترقی مورد آزار و تعقیب حکام وقت قرار می گیرد. "حیدر" هنوز کودک بود که با خانواده خود به قفقاز مهاجرت می کند.

آشنائی با سوسیال - دمکراسی انقلابی. حیدر عمواغلی "تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قفقاز به پایان آورد و در تطبیس در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد. عمواغلی در "تقریرات" خود می گوید: "از دوازده سالگی وارد فعالیت های سیاسی شدم."

سالهایی که حیدر عمواغلی در روسیه به تحصیل اشتغال داشت، جنبش کارگری و سوسیال دمکراسی انقلابی روسیه در حال اعتلاء بود. حیدر عمواغلی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه آشنا شد و فعالیت در جنبش کارگری روسیه شرکت نمود. در این زمان سوسیال دمکراسی روسیه و به ویژه سوسیال دمکرات های انقلابی قفقاز به جنبش انقلابی در حال بلوغ ایران توجه خاصی مبذول می داشتند. حضور کارگران مهاجر ایرانی در هادن قفقاز زمینه مساعدی برای فعالیت در بین ایرانیان فراهم می آورد.

حیدر عمواغلی در جریان آشنائی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه به "لنین" گروید و با انقلابیون نظیر "نریمان نریمانوف"، "اورزنیکیزه" و "استالین" آشنا شد. رفیق حیدر عمواغلی در خاطرات خود از جلسات مخفی که با این انقلابیون در خانه خود تشکیل می داد سخن گفته است. در همین زمان مظفرالدین شاه و اتابک هنگام سفر مسکو، برای تاسیس کارخانه برق آستانه مشهد خواستاریک مهندس برق شدند. حیدر عمواغلی برای این کار در نظر گرفته شد و به خراسان آمد.

نخستین محافل سوسیال دمکراسی در ایران. همزمان با پیدائی نخستین ایده های بورژوازی پیشرو و ترقیخواه اندیشه های سوسیالیسم علمی نیز در بطن جامعه در حال تحول میهن ما جوانه زد. این جریان های فکری متعلق به دو طبقه تازه پای ایران بود، با زتاب مبارزات طبقاتی بطور عینی در حال گسترش بود که در یک سوی آن فتودالیسم و استبداد مطلقه فتودالی و حامیان امپریالیست آن و در سوی دیگر بورژوازی و دهقانان، پیشه وران، کارگران و بی چیزان شهری قرار داشتند.

حیدر عمواغلی در خراسان با تعدادی از کارگران و روشنفکران همفکر خود، نخستین محافل سوسیال - دمکراسی انقلابی ایران را سازمان می دهد. این محافل بعدها به نام "اجتماعیون، عامیون" شهرت یافتند. در مدت بازده ماهی که حیدر عمواغلی در مشهد به فعالیت سیاسی اشتغال داشت، به دلایل اجتماعی و تاریخی معین نتوانست در گسترش محافل سوسیال - دمکراسی توفیق چشمگیری به دست آورد. او راهی تهران می شود تا فعالیت های سیاسی خود را پیگیری کند.

حوزه های "خصوصی" و "عمومی" حیدر عمواغلی ابتدا در راه آهن تهران و شاه عبدالعظیم و بعد در تجارخانه حمل و نقل ایران به کار می پردازد. جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران در این زمان هر روز گسترش تازمائی می یابد و زمینه برای فعالیت های سیاسی حیدر عمواغلی به نحو مساعدی فراهم بود. انقلاب بورژوا - دمکراتیک در آستانه قرار داشت.

در این زمان حیدر عمواغلی به سازماندهی متناسب با شرایط دست زد و انقلابیون ایران را در حوزه های "خصوصی" و "عمومی" متشکل ساخت. حوزه های خصوصی هسته اصلی و رهبری کننده سوسیال دمکراسی انقلابی بود و تا ۷ عضو داشت و در حوزه های عمومی تا پیش از ۲۰ عضو متشکل بودند حوزه های عمومی پس از تشکیل انجمن های محلی که کسسه گوناگون ارگان های حاکمیت توده ها بود، منحل شدند و اعضا، آن نقش فعالی در سازماندهی و هدایت انجمن ها بر عهده نرسید. "حوزه های خصوصی" به صورت مخفی به حیات خود ادامه دادند و از طریق اجتماعیون، عامیون با کار، با حزب سوسیال - دمکرات کارگری روسیه ارتباط یافتند. محافل سوسیال دمکراسی به تدریج در تهران آذربایجان، گیلان و ارومیه سازمان یافتند و رفیق حیدر عمواغلی در پیوند این محافل نقش فعالی بر عهده می گیرد. به این ترتیب زمینه های لازم برای تشکیل حزب کمونیست ایران فراهم می آید.

حیدر عمواغلی و انقلاب مشروطیت.

به هنگام اوج گیری جنبش مشروطیت، حیدر عمواغلی در تهران، در کارخانه برق حاج حسین امین الضرب، کار می کرد. در این هنگام حکومت مطلقه ربر فشار مبارزات اعتلاء یافته توده های مردم که بارهبری بورژوازی ایران انجام می گرفت، درهم فرومی شکست. حیدر عمواغلی در این هنگام نقش فعالی در پیشبرد سازماندهی جنبش به عهده گرفت. او فعالیت در سازماندهی راهپیمائی های خیابانی و تحصن ها شرکت نمود. اسناد موجود نشان دهنده نقش فعال حیدر عمواغلی در تحصن مسجد سیه سالارو سفارت انگلیس است. نتیجه این مرحله از مبارزات مردم و انقلابیون تسلیم مظفرالدین شاه به اراده ملت بود که مظفرالدین شاه را مجبور به قبول مشروطیت کرد.

قابل تأکید است که در همین زمان نخستین تشکلهای توده ای کارگری در تهران، خراسان، آذربایجان و گیلان با کوشش سوسیال دمکرات های انقلابی و رهبری حیدر عمواغلی سازمان می یابد.

مظفرالدین شاه که تمام تلاش خود را برای سرکوب مبارزات مردم به کار گرفته بود، می میرد و محمد علی میرزا جانشین او می شود. "شاه جدید" نیز با همکاری درباریان و مستبدین دیگر و با پشتیبانی تزاریسیم و امپریالیسم انگلیس با تمام نیرو به سرکوب انقلاب و آزاد بخوانان و انقلابیون می پردازد. انقلاب در محاصره فتودال ها، سازشکاران و حامیان امپریالیست آنان قرار می گیرد و از هر سو ضرباتی بر پیکر جوان آن وارد می آید. هدف از وارد آوردن این ضربات درهم شکستن انقلاب ایران بود. توده ها درمی یافتند که مبارزات مسالمت جویانه آنان برای درهم شکستن استبداد فتودالی که به سلاح های بلژیکی، انگلیسی و روسیه تزاری مجهز است، کافی نیست. آنها در آستانه قیام مسلحانه قرار داشتند.

حیدر عمواغلی درمی یابد که توده ها را باید مسلح کند. او فعالیت به تدارک این امر می پردازد. رفیق

مردم میهن ما ناقطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



یکجانبه‌ای مورد خطاب قرار گرفته و صراحتاً مطالبات شورایی خواست‌هایی "ضدانقلابی" توصیف شده است.

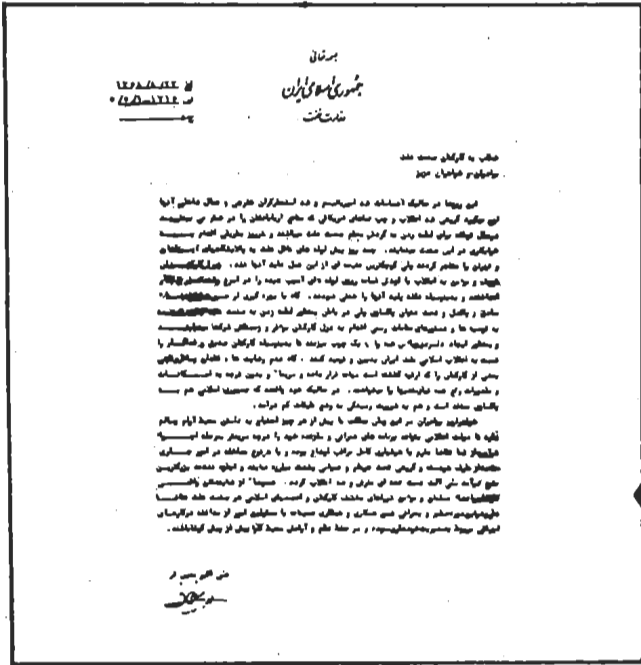
وزیر جدید خود را به نهمی می زند که شورازدل قیام و توسط خود نفتگران برپا شده به توسط دولت وقت.

وزیر نفت و عضو شورای انقلاب باید به جای صدور بخشنامه برای بی اعتبار کردن و سلب قدرت شوراها، کارنامه درخشان خود را مرور کنند تا بهتر دریابند که چه اندازه شایستگی صدور چنین فرامینی را دارا هستند و وزیر که با عوام فریبی و با سبق و وگرنه برنامه پاکسازی خود را اعلام می کند خوب است که قدری به دوروبر خود نگاه کند و بداند پسران سابق را که در دوران اقبال و انصاری و نیز به سرکار بودند مشاهده نماید که چگونه هنوز به عنوان نزدیک ترین همکار و مشاور ایشان بر سرپست های حساس خود باقی ماندند.

تصفیه مدیر اداری، آن هم در نتیجه فشار و توصیه انجمن اسلامی پایان تصفیه نمی تواند باشد که این چنین مورد بهره برداری تبلیغاتی آقای وزیر قرار می گیرد. آن چیزی را که آقای وزیر تصفیه و پاکسازی می داند، در حقیقت چیزی جز نبرد قدرت با نفتگران آگاه و انقلابی که مدبریت را زیر رگبار خواست ها و سوالات خود دارند، نیست. دست شمایز آقای وزیر همچون دیگر همکاران آن دیر با زود رو خواهد شد.

اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی"

این مقاله بخش دوم گزارش جاب شده در کار ۳۸ است که در این شماره به پایان می رسد



در صنعت نفت بر عهده دارد، از مفاد بخشنامه‌هایی که صادر می کند آشکار می گردد. به عنوان نمونه می توان از بخشنامه مورخ ۲۳ آذر ۵۸ نام برد که طی آن نفتگران از هرگونه اقدامی که با کارمدبریت ایشان تداخل پیدا کند، منع گردیده‌اند. در این بخشنامه اقدامات انقلابی کارگران

موقت برای پاک سازی و اعلام شروع برنامه از طریق انتصاب هیئت ۵ نفری مجری طرح پاکسازی به ظاهر پاسخگوی دلیل اصلی عنوان شده برای برکناری نرینه شد.

اما خیلی زود تو خالی بودن مانورهای عوام فریبانه وزیر نفت جدید - این دارنده نشان تاج آریامهری - برملا گردید. چه اقدامات جناب وزیر جدید از تعویض سرکارهای شرکت ملی نفت فراتر نرفت، هنر وزیر جدید تنها در این بود که کارگران و کارمندان را به باد توهمین ها و افتراهای رنگارنگ قرارداد و با صدور بخشنامه‌های شدداد و غلاظی شروع به خط و نشانی کشیدن کرد و با انقلابی خوانساز خود کوشش دارد تنها کارگران پیشرو و انقلابی صنعت نفت را به عنوان ضدانقلاب مورد تصفیه به اصطلاح انقلابی قرار دهد.

حضور "ضدانقلاب" کشف آقای معین فرنیست. بلکه پنهان‌های است برای توجیه "نیروی ویژه" مستقر در صنعت نفت که جناب وزیر با کمک آن وظایف به اصطلاح انقلابی خود را انجام می دهند تا مانع از هرگونه حرکت در جهت پیشبرد اهداف انقلابی کارگران صنعت نفت شوند. ماهیت وظایفی که وزیر جدید

باتوجه به مقاله شماره قبیل معلوم می شود که افشای قراردادهای نفتی، طرد عناصری که هدف خود را خدمت به انحازات قرار دادمانند و مصادر سرمایه های امریکائی در شرکت نفت از جمله اهمیتی برخوردار است.

سازمان اداره شرکت نفت به گونه‌ای است که در بخش های مختلف آن منبرهائی سازمان داده شده‌اند که حرکات انقلابی را در هر سطحی تحت نظارت و کنترل خود در آورند. این منبره ها خود شبکه‌ای را در درون سیستم اداری بوروکراتیک شرکت نفت تشکیل می دهند. موقعیت اجتماعی و طبقاتی این عوامل، عامل مهمی است که آنها را در خدمت انحازات نفتی و شرکای داخلی شان در پی آوردن این رو طرح شمار "پاک سازی" که البته هدف ها و مواضع مختلف عنوان می گردد حائز اهمیت فراوانی است و بر عهده کارگران پیشرو و انقلابی است که این "شمار را" در راستای تصحیح مبارزات ضد امپریالیستی خلق های مابه کار گیرند.

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نرینه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

مانورهای وزیر تازه و مطالبات کارگران.

وزیر تازه نفت مسئله پاک سازی صنعت نفت را از جمله اولین اقدامات خود عنوان نمود و با صدور بخشنامه مورخ ۱۹ مهر ۵۸ باره خط مشی کلی دولت

چرا بازرگان و رفسنجانی

بقیه از صفحه ۱

کشور یکی دیگر از اعضا شوروی انقلاب به حمایت از گفته های بازرگان و دفاع از امیرانتظام برخاست. ماور سیاسی آقای بازرگان، که با مصاحبه پرسروصدای روز دوشنبه آغاز شد، چشم انداز تازه‌ای از "مبارزه قدرت" را به نمایش گذاشته است.

در این مصاحبه بازرگان تمام خیرگی سیاسی خود را برای موجه جلوه دادن اقدامات و فعالیت های جاسوسی امیرانتظام، سخنگوی امریکائی دولت خود به کار می گیرد در مصاحبه کوشش شده است از اعتقادات مذهبی مردم نیز برای طبیعی نشان دادن جاسوسی امیرانتظام استفاده شود.

"نخست وزیر منتخب امام" در عین حال کوشش می کند جنبه تازه‌ای از دوستان صاحب مقام تشکیل دهد تا قدرت مانور خود را برای جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و افشاکاری های دانشجویان مستقر در سفارت امریکائی نماید. زیرا بازرگان بهتر از هر کسی می داند که رشد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های میهن ما - برچیده شدن بساط او و جاسوسان امریکائی و تمامی لیسرال ها است که هدفی جز تحکیم نظام سرمایه داری و تثبیت سلطه امپریالیسم ندارند.

می بینیم که حساب های آقای بازرگان زیاد هم بی راه نبوده است، چه خیلی زود از طرف دوستان "صاحب مقام" مورد

حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. هاشمی رفسنجانی، عضو شورای انقلاب و وزیر پر شور جمهوری اسلامی، در فردای مصاحبه آقای بازرگان، در مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه کیهان، نظر بازرگان را درباره امیرانتظام نائید کرد و چنین گفت:

"اسنادی که راجع به انتظام فاش شد، نشان دهنده جاسوسی ایشان نیست. حمایت وزیر کشور از امیرانتظام نشان می دهد که دوستان امپریالیسم امریکائی سرمایه داری وابسته تا کجا نفوذ کرده و چه اندازه در قدرت سهم هستند و برای سیاستی که بازرگان ها و امیرانتظامها طرح پوشخنگوی آنند تا چه میزان در جمهوری اسلامی راه برای پیشرفت باز است.

به خوبی روشن است هدف اصلی بازرگان و شرکای او، جلوگیری از انتشار اسنادی است که حقایق فراوانی را بر سرای توده های قیام کننده میهن ما روشن می کند. آنها بدون شک در مبارزه برای تحکیم موقعیت خود در حاکمیت و ممانعت از انزوای سیاسی از پای نخواهند نشست و تلاش های جدیدی را سازمان خواهند داد. این روایتها و طرذاتان و ارتقا آگاهی توده های وسیع قیام کننده از مواضع و اهدافی که این دوستان دروغین مردم دنبال می کنند و طیفه هم انقلابیون کمونیست است.

حامیان "جدید مستضعفین چگونه زندگی می کنند"

کند و دو بهار جاش به خطر می افتد. آری مخارج چهارشنبه اقامت حاجت الاسلام و همراهان، برابر ۴ سال زندگی یک خانواده روستائی زحمکش در کردستان است.

حاجت الاسلام، در هتل های مشهد برابر دستمزد یک سال کارگری است که روز و شب در کارخانه ها و کوره پرخانه ها معادن و غیره در سرما و گرما کار می کند و هر روز باید بار سنگین و منقبت کارهای طاقت فرسا را بر سر دوش

در حال حاضر زحمکش مهربان زندگی و بیکاری دست و پا می زند و به سختی فادریه گذران زندگی خود و خانواده شان هستند. حداقل دستمزد کارگران ۵۶ تومان معین شده در صورتی که همیشه می دانند که با این مقدار دستمزد یک نفر هم قادر نیست به راحتی زندگی خود را بچرخاند. میلیون ها کارگر بیکار در ورام بیکاری که برای مدت چندماه و آن هم فقط به تعدادی معدود بازرگان بیکار پرداخت شد، معادل ۷۵۰ تومان بود.

درست در همین زمان اسناد افشاکرانه ای انتشار یافته است که آقای حاجت الاسلام اترافسی و همراهان در مدت ۴ شب اقامت در هتل های عمر خیام در مشهد مبلغ ۱۷۴۲۸۰ ریال بابت هزینه بسترایی و اقامت می پردازند. بعضی هرگاه وام بیکاری قطع شده کارگران بیکار را که ۷۵۰ تومان است با هزینه اقامت ۴ شب حاجت الاسلام معایبه کیم برابر با مخارج دو سال زندگی یک کارگر بیکار خانواده اس خواهد شد.

تازه همین وام ناچیز نیز قطع گردیده و معلوم نیست این کارگران زحمکش چگونه باید معاش خود را تأمین کنند. ماحتی اگر حداقل حقوق کارگران تا اعل را که برابر ۵۶ تومان در روز می باشد در نظر بگیریم، هزینه اقامت ۴ شب

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

**برای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی خلقمان
سیاستمداران و محافل لیبرال را افشاء و طرد کنیم**

اسناد منتشره در این شماره گوشه‌ای از تاریخ مبین ما است. این اسناد از آن جهت منتشر می‌شوند که ماهیت سیاستمداران و محافل سرمایه‌داری لیبرال را بر ملا می‌کنند. افشای سرمایه‌داری لیبرال که دشمن مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ما است و امپریالیسم آمریکا پیوسته از طریق آن بر علیه خلق ما وارد عمل شده است. امروز ضرورت زیادی یافته است. به ویژه آن که ماهیت سرمایه‌داری لیبرال و سیاستمداران آن که برای منحرف کردن مبارزات خلق ما از هدف اصلی بهره‌برداری می‌کنند و امروز نیز خود را آماده ریاست جمهوری می‌کنند هنوز تا اندازه‌ای بر مردم پوشیده مانده است. اسناد منتشره در این شماره تنها بخشی از اسنادی است که در آرشیو نشریه "کار" موجود است.

**چرا بازرگان از دوستان و جاسوسان
امپریالیسم آمریکا دفاع می‌کنند؟**

بازرگان نخست وزیر پیشین، عضو شورای انقلاب و کاندیدای ریاست جمهوری، در ارتباط با اسناد منتشر شده‌ای که رابطه عباس امیرانتظام معاون بازرگان، سخنگوی دولت را با سازمان جاسوسی "سیا" برملا می‌کند، به خبرنگاران گفت: "این ارتباط با اطلاع من و اعضای دولت و در جهت بهبود روابط دیپلماتیک بود ما است."
در همین مصاحبه بازرگان به حقایق تکان دهنده زیر اعتراف کرده است. این روابط با امیرانتظام و به یک سند حتم نمی‌شود "۲۰۰ سند دیگر نیز که این گونه روابط را نشان می‌دهد، در مورد سایر همکاران من" ممکن است پیدا شود. "در گزارشی که دادستان انقلاب به من نشان دادند، از اشخاص و افرادی که عنوان همکاری (سی-آی-آی) را روی آنها گذاشته‌اند، نام برده‌اند. بسیاری از این افراد را من می‌شناسم، بعضی از این‌ها را من به آقای امیرانتظام معرفی کرده‌ام" بازرگان در جای دیگری از همین مصاحبه گفت: "مذاکرات مربوط به اتخاذ این روش‌ها، تبادل نظرها و تماس‌های ضروری و لازم آقای امیرانتظام و وزرای خارجی ما یعنی آقایان سنجابی و وزیدی و خود بقیه در صفحه ۴

مهدی بازرگان می‌گوید:

«علی حضرت با درد دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده،

یک نفر چقدر وقت پیدا می‌کند که به همه امور برسد؟» در صفحه ۴

**بازرگان گود نشین‌ها، زاغه نشین‌ها و ساکنین حلبی آباد‌ها را
قدر و دزد و قاچاقچی می‌نامد.**

در یکی دو ماه اخیر، موج سارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری مردم زحمتکش و محروم اوج تازه‌ای یافته است. مردم بی‌خانمان و زاعفتین و گسودن نشان اطراف شهرها که عمر خسته‌اند و در بدی کشته‌اند، طی چند هفته گذشته پس از ماه‌ها انتظار موهوم اردولت بازرگان که خانه‌ها و آپارتمان‌های سرمایه‌داران مراری را به آنها واگذار کند، چون امیدشان اردولت نا امید شد، به پستی سازمان‌های انقلابی و سرحی روحانیون مبارز تعدادی آپارتمان را که ماه‌ها خالی مانده بود، اساعل کردند تا نشان برکت مبارزانی که سال گذشته در راه‌هایی خود ارفق و ناداری بی‌حاصلی کرده بودند در زیر سقف یک چهار دیواری به سر آورند. اما آقای بازرگان اس عصور حرسه شورای انقلاب مثل هر سرمایه‌دار دیگر، زاغه نشین‌ها، گود نشین‌ها، بی‌خانمان‌ها و همه مردمی را که توسط همین سرمایه‌داران چاییده شده‌اند، به ما دافرا و بدگویی گرفت و قتی آقای بازرگان دیدند کسانی که یک عمر کار کرده‌اند، رحمت کشیده‌اند، حب روی حش گداخته، سرمایه‌داران را بر کرده‌اند، اسرور می‌خواهند حق خودشان را از چنگ سرمایه‌دار فراری در آورند و صاحب حاصل دسرخ خود شوند، با هزار دوز و کلک و با آه و ناله اعلام کردند که کاش ارس قدرت داشت و جلوی "این قلدرها، گردن کلفتها دزدها، قاچاقچی‌ها" را می‌گرفت. بازرگان در حرف‌های خود به عالی‌ترین شکل سان می‌دهد که سرمایه‌دار کسب، ارس چگونه در خدمت طبعه سرمایه‌دار فراری می‌گردد و سرمایه‌داران با چه اندازه ار سار و وسکل طبعه کارگر هراس دارند. بازرگان ارسع قدرت سرکوت دولتی می‌بالد و در باره خانه‌سازی مردم و اشغال مسجع‌های سرمایه‌داران فراری تا اسف می‌گوید:

"تبروتی نیست که جلوی این تجاوزات را بگیرد." - "هرچی آدم قلدر و گردن کلفت است جزو مستضعفین درآمده‌اند، رفتن خانه‌ای را گرفته‌اند"

"قلدرها، دزدها، قاچاقچیان آمده‌اند امروز مستضعف شده‌اند. مسکنی که می‌خواهند بدهند به اینها می‌رسد. خوب وقتی قدرتی نباشد همین است" (روزنامه‌های سپهر ۲۳ و ۲۴ آذر ۵۸)

هر آدم مصمی وقتی این حرف‌ها را می‌شنود ارجود می‌برد کدام سک از قلدرها و دردهای واقعی یعنی سرمایه‌داران با ماشین‌های آجرس سسم "سرتو" "سی ام" و "ما فکل و کراوات ربه اسد آپارتمان‌های سرمایه‌داران فراری را اشغال کرده و در آن ساطسین کرده‌اند؟ در هزاران خانه‌ای که توسط مردم زحمتکش اشغال شده است حتی یک عکر کردن کتف و قلدر که ارسع طبعه کارگر گردس کتف شده باشد، امثال بازرگان هسا و امراطام‌ها بدامی سود.

آری، اس سوه سرمایه‌داران اس که مردم زحمتکش را دزد و قاچاقچی و قلدر و بی سروپامی با سد و سرمایه‌داران واعیان و اشرف را "محترم و باحسب و آبرودار"

در این شماره:

- مهدی بازرگان می‌گوید:**
"علی امینی را فرد مبین پرستی میدانم اگر با امریکاهم تماس‌هایی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت‌اندیشی است!" در صفحه ۴
- آقای بازرگان از «قانون اساسی شاهنشاهی» پشتیبانی می‌کند.**
چرا سخنگوی دولت بازرگان جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب درآمد در صفحه ۳
- نقل از کار شماره ۲۵**
مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت‌بار با امپریالیست‌ها را به نفع مملکت و مردم می‌داند در صفحه ۲
- مهدی بازرگان، پیروزی قیام پرشکوه بهمن را «مصیبت بزرگ» می‌داند.**
در صفحه ۲

چرا پس از قیام شکوه مند خلق،

مهدی بازرگان به نخست وزیر رسید؟
برای بسیاری اس سئوال مطرح است که اگر بازرگان، امراطام و بردی و امثال آنان که یک تک دارد پیرونده نشان رو می‌شود، تا این حد به مردم خیانت کرده‌اند پس چرا همگی مورد نائید و منحس آبت‌الله حسینی بوده‌اند و هنوز هم معدر آموز هستند؟
بسیاری از مردم که در راهپیمایی و نظاره‌ها و اعمانات و سردهای جناسی سال گذشته شرکت داشته‌اند، سلبوسها مردم زحمتکش که حاسان را ک دست گداختند و به حاسان‌ها رخسند و جلوی کلوله‌ها سه سیر کردند و سعار "مرک برسا" دادند، وقتی آبت‌الله حسینی اعلام کرد د بازرگان را ما مورسکل گاسه کرده‌اس به فکر فرورسند و با خود گفتد "چرا این سرمایه‌دار بهر دراز که همه تلاش‌ها سازس با ساه و حفظ رژیم بود، باید به نخست‌وزیری دولست بقیه در صفحه ۲

مهدی بازرگان جمعه ۱۲ آبانماه ۵۷ یعنی یک روز قبل از شنبه سرخ روزی که رژیم شاه پس از کشتاری وحشیانه دولت نظامی از هساری را بر سر کار آورد، درینک مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید:

«گمان می‌کنم علی امینی بتواند موفق شود و تاجانی هم که در اختیار من است، کمکش می‌کنم»

حسرت‌گاره: فکرمی‌کنید در شرایط حاضر امینی بتواند کاری از پیش ببرد؟
بازرگان: گمان می‌کنم او بتواند موفق شود و تاجانی هم که در اختیار من است کمکش می‌کنم.
اس شخص یعنی مهدی بازرگان که علی امینی را فردی مبین پرست می‌شناسد این حرف را روز جمعه ۱۲ آبان ۵۷ رده است. روز قبل از ۱۳ آبان، شنبه سرخ، روزی که رژیم شاه دانش آموزان راه خاک و خون کشید، در جشن روزهایی این زاهد ریاضی مهدی بازرگان می‌خواهد به سملو مطهر سوکری امپریالیسم امریکا، اس

نابود باد توپنه محافل و احزاب سرمایه‌داری لیبرال

مهدی بازرگان، پیروزی قیام پرشکوه بهمین را «مصیبت بزرگ» می داند.

آقای بازرگان که در ۹ ماه گذشته مدام علیه کمونیست ها حمایتی و تسلیمات رهراکس کرده است ، سناریو همواره کمونیست ها می برد.

بازرگان درباره کمونیست ها می گوید: " اینها اولین دستهای بودند که شعار انحلال ارتش را دادند و گفتند که این ارتش امیرالیستی است و همین شعار اینها سرمشق شد برای دیگران ."

(از مصاحبه مطبوعاتی بازرگان ۳۳ آذر ۵۸) این افتخار کمونیست ها است که سن آرد بگران و فصل آرد بگران مردم را از ماهمبارش " آریامبری " دست نباشد . امیرالیسم آگاه کرده اند و خواستار انحلال ارتش " آریامبری " شده اند. سها آقای بازرگان و شرکا ، سرمایه دار ایشان هستند که چون نفعشان در " آریامبری " بودن ارتش است ، اینطور نطم می کنند که با وجود همکارانشان امیریکایی در ارتش هنوز هم دلایل کافی برای این که بگوئیم ارتش شاهنشاهی دست نشاندۀ آمریکا است ، وجود ندارد.

کسی که علی امینی را سپهر برست بداند برایش شمار راحت است که دستتاری هویز ، بهشتی و قرقه باغی نام ارتش شاهنشاهی را بردارد و نام " ملی و اسلامی " روی آن بگذارد . اومی خواهد در ارتش همان نظامات شاهنشاهی ، همان سرکوب همان خفقان و همان فشارها را از سر برقرار شود . در ارتش هیچ چون و چرایی در کار نباشد . اومی خواهد ارتش داشته باشد که هر مومع به حلیاش گفت " بسرو

تاج شاه روی دوششان و برپشتانی شان کوفته شده ، نه تنها ارتش نیست که در خدمت مصالح و منافع مردم باشد ، بلکه ارتش است که چنانچه در تمام طول حیاتش ثابت کرده است عامل دست

چرا پس از قیام شکوه مند ...

بقیه از صفحه ۱

انقلابی انتخاب وزمام امور به دست وی سپرده شود؟"
آنها که آگاه تر بودند نمی پرسیدند " چرا بازم مثل سابق یک نفر می باید درباره همه چیزها تصمیم بگیرد؟ " با این همه اکثریت عظیم کارگران و ریحمنگان میهن ما با امید هائی که می قیام بهین ماه بسته بودند ، دل به آینده سپردند ، به حلیان هار بخشد و فریاد زدند:
" درود بر بازرگان ، نخست وزیر ایران " و در و دیوار شهره بفع این که سرمایه دار بهر از شمار بر شد .
بازرگان که " نخست وزیر منتخب امام " بود و اعتبار اعتماد توده ها نسبت به آبت الله عصمتی از حمایت و پشتیبانی بی دریغ و وسیع مردم زحمتکنان نسیر برخوردار شده بود ، در حقیقت بر اساس این اعتماد مردم که " امام آشنایمی کند امام همواره غیرت را می خواهد ، حتی حساب هائی در کار است که ما سردر نمی آوریم " به مدت ۹ ماه بر سر صدر است و نشسته و وقتی هم اکثریت مردم میهن ما را از بریدند ، به دعوت شورای انقلاب

آقای بازرگان از « قانون اساسی شاهنشاهی »

پشتیبانی می کند.

و منافع سرمایه داران به خطر آمده است. اما آقای بازرگان علاوه بر سلطنت طلبی و مشروطه خواهی ، درونگرم سربسز دارد.

آقای بازرگان که در مقام رهبری نهضت آزادی یک عمر شعار داده است: " شاه باید سلطنت کند نه حکومت " پس از تمام بهین ماه سال گذشته ، کطبی آن خلق های متحد و یکپارچه بساط شاه را ریچیدند ، مدعی شده:

" تنها دستمای که لبه تیغ حمله رابه روی سقوط شاه گذاشت نهضت آزادی بود . (روزنامه های تهران ۲۶ آبان ۵۸) راستی را کس با پسند واقعات راهم بر القاب و عناوین امین بلندگویی سرمایه داران ایران میفرمایم . آقای بازرگان تنها یک سیاستمدار طرفدار سرمایه داری و یک مشروطه خواه لیبرال نیست . تنها عیب ایشان این نیست که قبله عالمش امیرالیسم امریکا است . علاوه بر همه اینها در دروغگوئی هم استاد است . هر چند تاکنون هیچ سرمایه داری راننده ام که دروغگو باشد ."

مهدی بازرگان " حسب وزر متخ امام " و عضو برجسته شورای انقلاب اسلامی در مصاحبه خود با نشریه ایران یست ، روز جمعه ۱۲ آبان ۵۷ می گوید:

" مادرشمار آن احزاب هستند که قانون اساسی را قبول داریم ، همان قانون اساسی نخست و متمم آن است . البته سلطنت را از قاجار گرفته اند و به پهلوی داده اند ."
معلوم می شود که علت اعتراضات و استدعاهای آقای بازرگان به نمایندگان مجلس خبرگان نمایان خاطر که آنها حق حاکمیت مردم را زبر پاک داشته اند بلکه نمایان خاطر بوده است که حقوق سلطنت مشروطه را نادیده گرفته اند . بازرگان در مصاحبه مطبوعاتی روز ۱۷ آبان می گوید:
" استدعای کتم از این مجلس پیروسی قانون اساسی در مرحله نهائی بیک تجدیدنظری در مواد بکنند که حاکمیت ملت برقرار باشد ."
مهدی بازرگان در ۳ سال گذشته نشان داده است که مشروطه خواه است و تمام ناراحتی او نیز این است که چسرا مشروطه سلطنتی در ایران بر چیده شده

امیرالیسم و بانگ آن بعضی طبعه سرمایه دار و مورد حمایت آنها بوده است . سازمان ماسپارتنی را ملی و مردمی می داند که از کارگران ، دهقانان ، نظامیان جز ، و دیگر ریحمنگان و سارک سازمان های انجمنی و مسبارر شکل گرفته اند . ماسپارتنی را انجمنی می نامم که راملوس ها مردم ریحمنکن و صلح شکل شده باشد که صص سرک در کار بولند ساسج و آموزش نظامی ، امر دفاع را حقوق و منافع مردم در برابر نوطه های امیرالیسم و سرمایه داران وابسته به آن را بر عهده داشته اند . برای آقای بازرگان هیچ چیز سها اندازه تمام پرشکوه ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۸ در دیناک و ریح آور بست ، روز هائی که سا گتوده شدن ذره های برخی پادگان ها به روی مردم و خلغ سلاح آن پادگان ها به دست مردم رژیم شاه بطور مرکباری ارایه درآمد و اگر هم تا امروز نرسیده هائی کوچک و بزرگ ارتش شاهنشاهی معسوق مانده است اولاً بر اثر همان ضرباتی است که بر بزرگ ارتش وارد آمده ، ثانیاً به دلیل شور انقلابی ، بسج نودهای وقت قدرت مسلحی است که در برابر آن ، قرار دارد . اما بازرگان در این زمینه می گوید:
" وقتی انبازمهعات به دست مردم افتاد ، همان روز جشن گرفتند و چراغانی کردند ولی همان روزها خیلی هها می گفتند این پیروزی مصیبت بزرگی است ، مادام که " ژ-۳ " در دست مردم است ، آجر روی آجر بند نمی شود ."

نقل از کار شماره ۲۵ دیه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت باز را با امیرالیست ها را به نفع مملکت و مردم می داند

بیم چسب بازگشت رتسند بولف که دنبال الهای اسد علی خلیج می رود در باره انشاء قراردادهای رژیم سرگون شده با امیرالیست ها مع مردم مملکت است. این مردم آگاه با می ماند که این حرفها همانند استدعاهای رژیم گشته است. بزرگان میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

آقای بازرگان برای فریب توجهی مردم بهر از سوخته و نسیر میگوید: " ما با امیرالیست ها قراردادها را بر سرگون شده با امیرالیست ها مع مردم مملکت است. این مردم آگاه با می ماند که این حرفها همانند استدعاهای رژیم گشته است. بزرگان میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

مهندس بازرگان در این باره میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

بزرگان اظهار می کند که اگر با امیرالیست ها قراردادها را امانت بدهد در دنیا صورت پیدا نمی کند و بهین شکلهای کلی میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

بزرگان اظهار می کند که اگر با امیرالیست ها قراردادها را امانت بدهد در دنیا صورت پیدا نمی کند و بهین شکلهای کلی میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

بزرگان اظهار می کند که اگر با امیرالیست ها قراردادها را امانت بدهد در دنیا صورت پیدا نمی کند و بهین شکلهای کلی میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

بزرگان اظهار می کند که اگر با امیرالیست ها قراردادها را امانت بدهد در دنیا صورت پیدا نمی کند و بهین شکلهای کلی میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

بزرگان اظهار می کند که اگر با امیرالیست ها قراردادها را امانت بدهد در دنیا صورت پیدا نمی کند و بهین شکلهای کلی میگوید: " این قراردادها را من از سر برت نه گتو فراردهای اسارت باز را که ایس هوی دیش سال مردم سوخته بود و این قراردادها را بر من خلق بلکه برای بالا بسردن رژیم با امیرالیست ها ، سجد ساخته است . بسج صلح و مردم جلوه دهد . گریا که رژیم در ورطه صلح و توافق و توافق است . زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرماچاریان است و سرمایه داری چنین استدلال می کند که قراردادهای رژیم سابق با امیرالیست ها خرد بخت اسارت و اسارت میهن ما بلکه خاطر پشتمنگسور حجت بخلق! مطلق شده است ."

مرگ بر امیرالیسم جهانی بسرکردگی امیرالیسم امریکا

بهاضه صفحه ۱

چرا بازرگان از دوستان و جاسوسان

امپریالیسم آمریکا ...

بنده با ما موران آمریکا انجام می‌دادیم، حالا اگر این‌ها خیانت حساب شود ...
 این مذاکرات "غالبا با حضور دکتر یزدی وزیر امور خارجه و اکثر باشرکت
 امرانتظام صورت می‌گرفت."
 بازرگان در همین مصاحبه اعتراف کرده است که او و دکتر دستاویز در بهیست
 آزادی هنگامی که مردم به دستور امپریالیسم امریکای گلوله بسته می‌شدند، برای
 ما موران امریکایی که برای رهبری سرکوب و کسار مردم به ایران می‌آمدند، "دسته
 گسل می‌فرستادند."
 بازرگان در سراسر مصاحبه خود کستان دادهاست که چگونه برای راستگی ایران به
 امرالیسم امریکا تلاش کرده و اسک سرار این اعمال خود دفاع می‌کند.
 هم میهنان مبارز!

زمانی که طبعه کارکوهرمان و همه مردم مبارزان ما امپریالیسم امریکا و ارتش
 ضد خلقی و اسبه آن یکنگرمی کردند، زمانی که کوچه و دیوار و خیابان از خون
 فرندان دلار خلق گلگون بود، بازرگان، این سیاستمدار کهنه کار سرمایه داری
 همدستان برای جاسوسان امریکایی دسته‌های گل می‌فرستاد، به درگاه شاه و
 فرامدگان ارتش استعانه می‌کند و آنان را ملتسانه نصیحت می‌کنند که هر چه
 رود سر و نادی برنده راهی بیدار کنند که از فام توده‌ها جلوگیری شود، تا نافع طبقه
 سرمایه دار و امپریالیسم امریکا حفظ شود.
 بازرگان عده‌هایی از فام گفت: "ما بااران می‌خواستیم، سهل آمد."
 او تا این گمار اعتراف کرده که سیاستمداران سرمایه داری از امپریالیسم امریکا
 و از شاه بااران رحمت طلب می‌کردند، اما سبیل مبارزات توده‌ها با سلطان ربه هم
 رحمت، با سربان طبعی است که او همدستانش مثل دکتر یزدی، چمبران،
 امپریالیسم، مدنی، صباغیان و غیره با این سبیل و بانوده‌هایی که سرچشمه این
 ستانند، دشمن باشد و طبعی است که برای مبار کردن این سبیل هر گوسه
 "ماده اطلاعات" را با امپریالیسم امریکا محاز می‌داند.
 او سبه گفته کارتر "بهترین دوست" امریکا است، باید کارگران را "هدانلابی"
 نماید، او باید در حال مردم در مور خود ناله کند، او باید از تو طبعه های
 "خلوص نیت" وی بگذارد، خلوص نیت برای جلوگیری از مبارزات مردم و حفظ
 مافع امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار، اما طبقه کارگر و همه مردم مبارز ما
 بر "خلوص نیت" بازرگان، یزدی، چمبران، امپریالیسم، مدنی و امثال آنها
 نفع می‌کنند و می‌دانند که این "خلوص نیت" خلوص نیت درد شمنی با طبقه
 کارگر و با مردم زمینکش و مبارز است.

بازرگان خوب می‌دانند که او همدستانش بر سر مردم ایران چا آورد مانند،
 بازرگان خوب می‌دانند که برای چه با همدستی چمبران، مدنی و یزدی، فتودال ها
 و دیگر سروه‌های ضد انقلاب را علیه مردم مسلح کرده است، بازرگان خوب می‌دانند که
 او و همدستانش جرانه این خدبان سروه‌های انقلابی به ویژه سازمان چریکهای فدایی
 خلق ایران دشمنانند، بازرگان خوب می‌دانند که او و شرکایش اقداماتی بسیار
 تکان دهنده تر از آنچه تا کنون فاش شده است علیه خلق ما ترتیب شده اند،
 از همین رو است که می‌گوید: "اگر روزی در گزارش‌های چند سفارت خانه دیگر هم
 این اسناد به دست آید که شاید سر به ۲۰۰ فقره بزند چه از سوی آقای امپریالیسم
 و با سایر وزراء نمی‌تواند دلیلی بر جانت باشد."
 او در دفاع از خود هنوز همان دلیل مضحکی را می‌آورد که فقط عقب مانده ترین
 و نا آگاه ترین مردم گول آن را می‌خورند، او هنوز می‌گوید: "چون من و همکارانم
 منتخب امام هستیم، هر اقدامی که علیه مردم مرتکب شویم، درست است."
 او در مصاحبه روز دوشنبه سوم دی ماه می‌گوید:

"چرا بعضی از روزنامه‌ها به سرعت، بدون اینکه به عظمت و مسئولیت خدائی -
 ملی - مملکتی خود و قلم‌شان توجه داشته باشند، یک چنین اتهامات ناروا لسی
 را ناپخته و مسلم نشده و به مرحله اثبات نرسیده رابه افراد واردمی آورند و آن وقت
 باید کسانی که خدمتگزاران این انقلاب و مامور و منتخب مستقیم و غیر مستقیم
 امام بوده‌اند، در معرض اتهام و صفت جاسوسی "سبا" قرار بگیرند و به این ترتیب
 نظام انقلابی ما دچار تزلزل خواهد شد."
 اما امروز دیگر کوس رسوائی بازرگان و شرکا، رابر سر بازار زده اند و بازرگان
 بهبود می‌گویند "منتخب امام بودن" را دلیل صالح بودن ذکر کنند.
 ما برای آگاهی هم میهنان مبارز از ماهیت بازرگان، سرمایه داری که پس از آن همه
 رسوائی هنوز عصون برای انقلاب است و بعلاوه کاندیدای ریاست جمهوری نیز
 هست، اسنادی از سوانق او را منتشر می‌کنیم.

بازرگان می‌گوید: "اعلیحضرت با درد دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده،

یک نفر چقدر وقت پیدا می‌کند که به همه امور برسد؟"

دانشه و یکی دربار سربوسی صدرا در مطلع صافرت با ایران طلائت کرده است.
 ۱۲ - در مورد این مادیات گروه‌های بهیست آزادی در این کاخها داشت دکتر یزدی با حسی
 از نشاط دارد و همین لحنی از سهم ایام از برای ساره سوزی سده دار سوزی میگردد، صد سوسا
 از نشاط را حفظ کرده و از سراز این کنگ هائبره سده سگرده.
 ۱۳ - عزایان و گروه‌های ربه در شهر با روحاچ ارگنور سیدی بازرگان مرا حه و ما نامه سوسیده که
 در نشاط طبعی وضع بهیست را روشن کند و بطوریکه با حه را بنده با حه روحانیون مخصوص
 حسی عمل کند سپس جهت پس از اعلام آزادیهای احزاب از طرف دولت آقای شریف اناسی
 ما سر تصمیم گرسیم خط شنی کلی خود را روشن و اعلام موجودیت ما کنیم و برای حه سیر سراسر
 ما به ای که ما سربا ما نامه سابق بهیست بود، ولی هنوز ستر شده و هر چه عمل در رسانده
 است.
 ۱۴ - در مورد نظرات آرام مدعطر روز بهیست ۱۶/۱۶/۵۷۷۶ اظهار عقیده میگردد این نظرات
 را مدعسون بخصوص جوانان طرفدار حسی آماده میگردد. با دعوات مدعاشتم و در وضع طبعی کار
 طوری است که گره اسد گسی امور دست طرفداران حسی است. دولت چرا سربا حه عود اسبسته
 با رگسیت ها را سرگ کرده؟ در مورد سکه نارگسیتها سیر گروهای کوچک با گاهی مدعاسسه
 و گارها دست روحانیون و مدعسون است.
 ۱۵ - من منضمم اعلیحضرت با درد دست گرفتن تمام امور خود را خسته و کوفته کرده و یک نفر چقدر
 وقت پیدا میکند که همه امور برسد ما به برامگان اساسی کارها و امور حساری در دست دولت طبعی
 اداره گردد.
 ۱۶ - از نظر ساره امتفاد سربا ساره سلطانه مدعاشته و حه سربا ساره اسولی و آگاه کردن و سخته
 ما حن مردم سیاسی دسی و مدعی و طوق خوش و ساره ما حرمع اسفند ما حرمع حلقوف سرد م
 میانه.
 مرات برای اسفند ما حرمع سخته سخته از عرض گذشت.

اعلیحضرت با درد دست گرفتن تمام امور خود را خسته و کوفته کرده و یک نفر چقدر وقت پیدا میکند که همه امور برسد ما به برامگان اساسی کارها و امور حساری در دست دولت طبعی اداره گردد.

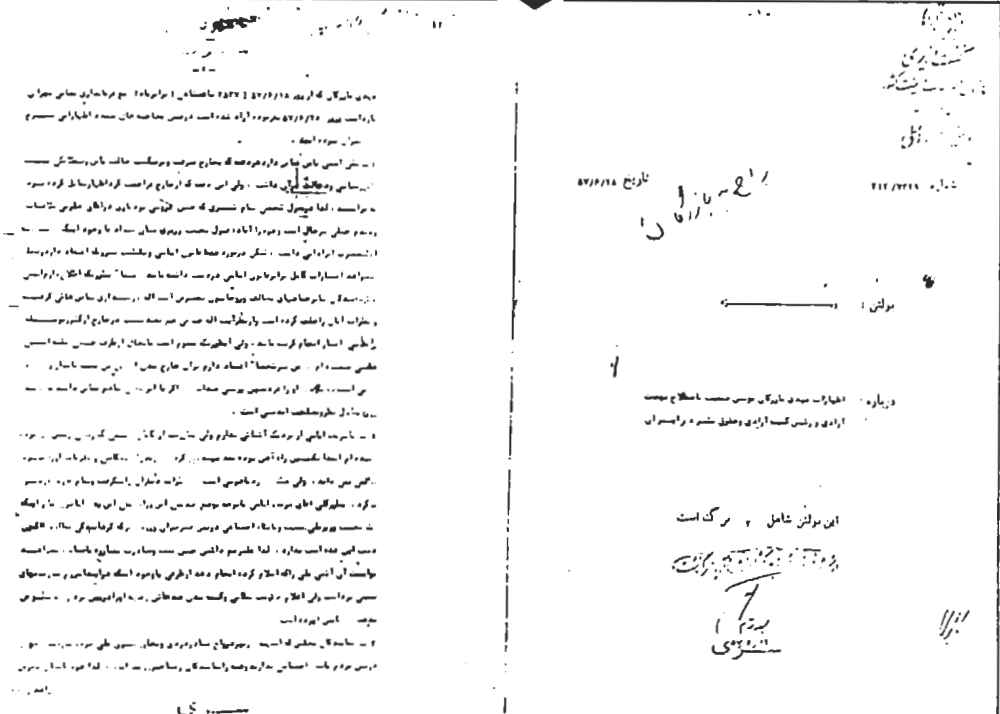
آقای بازرگان وقتی که به کارنامه
 ۳۷ سال حسابات شاه نگاه می‌کنند، وقتی
 که ۷۰ هزار کشته، صدها هزار رحیمی که
 همه و همه به دست رژیم شاه جاسکار
 صورت گرفته، نگاه می‌کنند، می‌گویند:
 "اعلیحضرت خود را خسته و کوفته
 کرده اند و بهتر است جای خود را بسبب
 ولعبد تازه نفس بدهند."
 حسی حسی هم اکنون عدار کار
 ریش از رنج و سربسی به عصبیت سوزای
 ابغلات در آمده و هوسور هم معلول دل سوری
 برای امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار
 و اسبه به آن است. آقای بازرگان در
 صحبت با سربوسی حید ماه قبل حسی
 سبهان سکرده که از موضع شدن نام "سناد
 بهلولی" هم با راجع است. او با خود
 می‌گوید: "خودش را سربون کردید پس
 سست؟ ما ما ش دیگر چکار دارید؟" آقای
 بازرگان همیشه می‌گفته است شاه باید
 سلطنت کند، نه حکومت. بازرگان همان
 شاهپور بختار است با این تفاوت که اهل
 ریش و توسع است و اکنون نزمان ریش
 و نسیم خدمات شان توجیبی به او کرده
 است.

مهدی بازرگان می‌گوید: "علی‌امینی را فرد مبین پرستی می‌دانم اگر با امریکا هم

تماسهایی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است!"

سبتر روش می‌شود که در مورد ارتساض
 می‌گوید:
 "شخصاً معتقدم با صداقتی که در کار
 امپریالیسم سراغ دارم و با توجه به اینکه
 ایشان در تماس با خارج جهان از حدود و
 ثنور و رابط دهلماتیک خارج نشده اند،
 تماس های او ربه عنوان جاسوسی تلقی
 نمی‌کنم."
 (روزنامه‌های تهران دوشنبه ۳ دی ماه)
 پس جاسوسی از نظر ایشان یک نوع

علی‌امینی مبره ساحت شده
 اسارت با رگس سوسوم عف، وزیر کابینه
 سبهد راهدی، نخست وزیر مسخت شاه
 در سال ۱۳۴۱، کسی که سالها غیر
 ایران در امریکا بوده است، از نظر آقای
 بازرگان "تحت وزیر منتخب امام"
 فردی است مبین پرست که روابطش با
 امریکا از "روی تبادل نظر" و
 مصلحت اندیشی است."
 وقتی اهمیت این حرف آقای بازرگان



پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران